

جنگ، کارگران و زحمتکشان را بیکار و در جبهه ها

کشتار میکند

- ☆ "سیاست حفظ اشتغال" پوششی برای اخراج کارگران در صفحه ۲
- ☆ اخراج ۸ هزار کارگر ایران ناسونال در صفحه ۹
- ☆ اخباری از اعتراض و مبارزه کارگران در صفحه ۱۱

با نگار گرفتن هر چه بیشتر نیروی انسانی جبران نمایند. سردمداران جمهوری اسلامی که تاکنون سیمده هزار نفر را در شکارها، با تلافی و کوهپایا به گام مرگ فرستاده اند با قربانی می طلبند. خمینی در تدارک جنگ بسیار خونینی است. ولی دیگر آن روزگاری که خمینی و اصحابش می توانستند تنها با حربه شمشیر و فریب و وعده بهشت صدها هزار جوان را بسوی کشتارگاه برانند گذشته است. مردم ما دیگر دریافته اند که رژیم آنها رانه به بهشت، بلکه به جهنم در زمین، جهنم جبهه ها فرامیخواند. سردمداران خون آتام رژیم که خود نیز به این واقعیت پی برده اند، اینک علاوه بر آنکه میکوشند دانش آموزان را سا دادن نمره قبولی ودا وظلمین کنکور را با وعده دانشگاه چند ماهی به جبهه بکشند، علاوه بر آنکه تلاش میکنند کارگران و کارمندان را با تهدید به اخراج به جبهه مفرستند، برای مقابله با افکار سربازان ازجبهه ها وغیبت مشمولین حاره سزور اندیشیده اند: دستگیری واعزام به جبهه ها سزور سلاح.

در قانون مصوب ۲۵ تیرماه ۶۵ هیئت دولت به صراحت گفته میشود که: "سپاه پاسداران، بقیه در صفحه ۱۰"

به جبهه نروید!

آتش جنگ همچنان زیبا نه میکشد. رژیم خمینی با میکوشد این آتش را با سوزاندن هر چه بیشتر جان و مال مردم شعله ورت کند. در شرایطی که دلخای زحمتکشان میهنمان مالا مال از فقرت به رژیم و جنگ است، در شرایطی که توده های مردم بیش از هر زمان دیگری به مخالفت با جمهوری اسلامی برخاسته اند، خمینی و دیگر رهبران جنایتکار رژیم در تدارک جنگ بسیار خونین و وحشتناک دیگری هستند و اینبار نیسز مانند رهبران دیگر فریبکارانه فریاد بر میآورند که این حمله، آخرین حمله است و جنگ با آن پایان خواهد یافت.

در شرایطی که توده های مردم دیگر حاضر نیستند قربانی فریب و تیرنگ رژیم شوند، رژیم بیش از هر زمان دیگری برای روشن نگاه داشتن جبهه جنگ به بول و جان آنان نیازمند است. خمینی و شریکان جنایتکارش که اقتصاد کشور رانه ورشکستگی کامل گشایده اند، اکنون تلاش میکنند تا توانی مالی خویش و کمبود تجهیزات نظامی را

میرم ترین نیاز جنبش:

اتحاد برای آلترا تویو انقلابی

فاجعه جنگ، فلکالت اقتصاد، درگیری حاد جناحهای حکومتی، افزایش بی سابقه نفرت مردم از رژیم بجران زده، و از سوی دیگر ضعف جنبش توده ای و عقب ماندگی جدی سازمانهای انقلابی در انجام وظایف خود، زدمه ترین عنا صروض کنونی کشور ما هستند. بررسی هر چه واقعی ترین پدیده ها، برای شناخت هر چه واقعی تر وضع کنونی و تشخیص چشم انداز آینده و درک عظمت وظایف سازمانهای انقلابی و مردمی اهمیت اساسی دارد.

"ولایت فقیه" در گزافانبر جنگ و بحران اقتصادی

ادامه جنگ ویرانگر هیچگاه به اندازه امروز برای حکومت دشوار نبوده است. با اینهمه حکومت فقها، مروجین از هر زمان کشور را، "وقف جنگ کرده است. آخرین نقشه برای ادامه جنگ که "استراتژی جدید جنگی" نامگذار شده، نشاندهنده دست و پا زدنهای زیبا نه و به تمام معنی جنون آمیز حکومت برای بیرون آمدن "فاتحانه" از با تلاق جنگ است. اساس این "استراتژی" تلاش برای خنثی کردن برتری تسلیحاتی ارتش عراق و کسب برتری نظامی، از طریق سرازیر کردن امواج انسانی به جبهه ها است.

حکومت برای هموار کردن راه اجرای به اصطلاح "استراتژی جدید"، برای امیدوار کردن نیروهای خود و امیدوار کردن مردم به پایان این کار بوس خونین، وعده "یکسره کردن جنگ" و "پیروزی نهایی" میدهد. حمله موعود رژیم، حتی اگر منجر به اشغال نکه های دیگری از خاک عراق بشود، تنها هیچ "پیروزی" واقعی برای رژیم خمینی در بر نخواهد داشت بلکه آنرا بیش از پیش در با تلاق و بن بست فرو خواهد برد. تنها نتیجه قطعی و حتمی این حمله کشتار بی سابقه مردم ایران و عراق و هر چه شعله ورت تر شدن خشم و کین مردم علیه جنگ و رژیم جنگ افروز خواهد بود. بنا بر این فشاری که اکنون تداوم جنگ بر رژیم وارد میسازد، در راستای اجراء استراتژی جدید تشدید میگردد.

بحران اقتصادی که همه عرصه ها را فرا گرفته، در نتیجه تداوم جنگ و در راستای اجرای "استراتژی جدید جنگی"، بونیز در شرایطی که هش شدید قیمت نفت و با بین آمدن میزان صادرات، به شدیدترین حد خود در طول سالهای گذشته رسیده است. حکومتیان به کرات گفته اند که همه اقتصاد کشور خردت و در با بیطه با جنگ است. جنگ نه تنها تولید و درآمد موجود کشور را میبلعد بلکه در نتیجه تداوم آن کارخانه ها و کارگاهها تعطیل و یا نیمه کاره میشوند، روستاها نابود و تخلیه میگردند، تمام طرحهای صنعتی و تولیدی متروک میشوند و وابستگی اقتصاد کشور به واردات و به امپریالیسم بیشتر و بیشتر میگردد.

بحران اقتصادی رژیم به صورت اخراج بیگاری کمزوری و گرانی سرام و بربرنگی توده های میلسونی جنگ انداخته است. وضع زندگی مردم هر بقیه در صفحه ۲

دفاع از صلح، نبرد با امپریالیسم، تجاوزگری و نژادپرستی

در کنفرانس غیر متعهد ها

وامنیت سیاره مان به مثابه یک مسئله بنسادی می نگوریم. وی افزود: "تا زمانیکه مسئله تا مین صلح به مثابه مسئله محوری حل نشده باشد، صحبت پیرامون سایر مسائل بی معنی خواهد بود." در خطابه ای که کنفرانس حواره به سسران کشورهای اتحاد شوروی و آمریکا ارسال دانست، گفته شد: "شریت هرگز این چنین به تابودی خود نزدیک نبوده است." در آنجا تاکید شده است که کشورهای صاحب سلاحهای اتمی باید گام فوری برای جلوگیری از وقوع جنگ هسته ای بردارند. کنفرانس آشکارا نشان داد که کشورهای غیر متعهد به ندای اتحاد شوروی مبنی بر زودن بلهه جنگ هسته ای، پاسخ مثبت دادند. بقیه در صفحه ۱۰

هشتمین اجلاس جنبش غیر متعهد ها از برجستگی ویژه ای برخوردار بود. اجلاس به تریبسون افکار گرانه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و حکومت افریقای جنوبی تبدیل شد. جنبش غیر متعهد ها در این گردهمایی، با احساس مسئولیت جدی تر نسبت به سرنوشت بشریت برخورد نمود. در مقایسه با هفتمین اجلاس، شمسار بسیاری از نمایندگان جنبش، مهمترین مسئله بشریت یعنی امر صلح را مورد توجه قرار دادند. تقریباً تمام سخنرانان اجلاس، از ابتکارها و پیشنهاد های اتحاد شوروی پیرامون خلع سلاح و مهارت مسابقه تسلیحاتی، از تمدید مهلت آزما یسش سلاحهای هسته ای و از بر تانم اتحاد شوروی برای محو سلاحهای هسته ای تا سال ۲۰۰۰ اعلام پشتیبانی کردند. رابرت موگابه نخست وزیر زیمبابوه و رئیس جدید جنبش اعلام نمود که: "من با بردارم که تمام جهانیان می اندیشند که ما به مسئله صلح

با توجه به این واقعیت و از آنجا که علیرغم تمام بیگردها و تعقیب و مراقبت ها، سازمان ما توانست بلنوم وسیع کمیته مرکزی را با شرکت فعال بخش مهمی از کار درهای داخل و خارج با موفقیت برگزارد، رژیم جنایت پیشه خمینی بیشتر به خشم آمده و به تلاش دیوانه واری جهت ضربه زدن به سازمان و درهم کستن مقاومت انقلابی فدائیان اسیر دست زده است.

رژیم از مدت ها پیش تلاش کرد تا از طریق استراق سمع تلفنی، تعقیب و مراقبت های مستمر و نفوذ در واحدهای تشکیلات، رهبران و کار درهای اصلی را شناسایی و بسا یورش های غافلگیر کننده، فعالیت سراسری فدائیان خلق را قطع کند. از سال ۱۹۶۱ تا امروز این چندمین بار است که عمال رژیم خمینی جنایتکار برای فدائیان خلق چنین خواب و خیال ها ئی را در سر بروراندیدند و برای وارد آوردن به اصطلاح ضربه گاری "خسبز برداشته اند.

تا کتیک پلیس سیاسی در رابطه با نقشه سرکوب سازمان دچار تغییرات معینی گشته است: در سالهای ۶۲ و ۶۳ پلیس بطور عمده درمدم وارد آوردن ضربه سراسری به سازمان از طریق تعقیب و مراقبت و شناسایی و بیگرد و دستگیری همزمان گروهها بود بقیه در صفحه ۱۱

مرحله انقلاب، نیروهای محرکه انقلاب

- ☆ رهنمود برای کار مخفی در وضعیت کنونی... در صفحه ۴
- ☆ نیروی بتوان جوانان را سازمان دهیم! در صفحه ۸
- ☆ پایان کار کنفرانس اسکلم در صفحه ۱۲
- ☆ حمایت اتحاد شوروی از اوپک در صفحه ۱۰
- ☆ شبلی می جنگد در صفحه ۱۲
- ☆ نهاجم ترکیه به انقلابیون کرد در صفحه ۱۰
- ☆ گامی مهم در اتحاد نیروهای فلسطینی در صفحه ۱۲

در این شماره

عزم آهنین فدائیان در برابر نقشه های رژیم

رژیم مستبد جمهوری اسلامی که مرگ خسود را در بیداری و تشکل انقلابی کارگران و زحمتکشان میبیند، سرکوب جنبش های اعتراضی و تعصایب مردم و سرکوب سازمانهای انقلابی و ززمنده، خصوصاً کمیونسها را هدف قرار داده و هر دم نقشه های زاری را بر سر میسند به این هدیه های اهریمنی، به اجرا میگذارد. علیرغم شرایط شرور و احتناق دهنشاهای که رژیم منحنط و جنایتکار جمهوری اسلامی بر کشور ما به ایفا کن کرده است، سازمان ما توانسته است فعالیت سیاسی تشکیلاتی خود را در مقیاس کشور حفظ کند و در جهت حفظ و گسترش پیوند با کارگران و زحمتکشان و هدایست جنبش اعتراضی و انقلابی آنان را گامهای مؤشوری بردارد. با همه ترسند های جنایتکار رژیم علیه فعالیت ما، نشریات اعلامیه ها، تراکت ها و شعرا و رهنمود های سازمان به مقیاس وسیعی در سرتاسر میهن بسیان مردم برده میشود و بزرگتر گامی انقلابی میفشانند.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

بروزین نیاز جنبش... با همه آرزوهای خود ما به عقب برمیگردد. حکومت است فقهی در حالی که بدست خودبیران همه جا شبه را گسترش میدهد برای تمام کردن و فریفتن مردم از الگوی مصرف جدید" و "تفسیر الگوی مصرف در ایران سخن میگوید. معنی این حرف آنها در واقع تلاشی برای سازش دادن مردم با واقع ورشکسته اقتصادی و فقر و گرسنگی است.

نکته ای که باید بدقت آنرا در نظر گرفت اینست که بحران آدامه جنگ و بحران اقتصادی بریکدیگر تا ثیر تشدیدکننده متقابل دارند. ادامه جنگ، جبر بحران اقتصادی را تشدید میکند و بحران اقتصادی نیز بحران نظام جنگ را برای رژیم دشوار و دشوارتر میسازد. حال این وضعیت را میسوزانند از قرون ترس مردم در جبهه ها جنگ ها بودی هرچه بیشتر تولید و شسروت ملی، تشدید بازم بیشتر بیگاری، کمزردی و گرانای تشدید فشارهای خودکندنده بر زندگی زحمتکشان، و آسوی دیگر زیر فشار قرار گرفتن هر چه بیشتر رژیم در گارگان جنگ و بحران اقتصادی و تکوین شرایط برای گسترش وسیع مبارزه توده ها علیه آنست.

تشدیدستیزد "جبهه حزب الله"

یکی از اجزاء مهم بحران "ولایت فقیه" تشدید متضاد دو جناح عمده هیات حاکمه (دو جناح "جبهه حزب الله") است این تضاد که همچنان شدت بیشتری می یابد، به نوبه خود مانع از آن است که در بسیاری از عرصه های مهم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی رژیم خودمیں بر نامه و موضع مشخص و ثابتی داشته باشد. بر سر بر نامه ریزی و موضع گیری در بسیاری از عرصه های فوق بلافاصله تشنج درون هیات حاکمه بالا میگیرد و جناحین "حزب الله علم اسلام" به کف و کف خشم برده ان به یکدیگر حمله ورمی شوند. مضمون این تضاد و کشاکش چیست سران حکومت در این باره حرف های زیادی گفته اند که تکرار آنها مطلب را بدرازا میکند. در گزارش هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما به پلنوم وسیع فروردین ماه در این باره آمده است:

"... منشاء اصلی تضادهای جناحهای درون حکومت وجود گرایشهای متضاد طبقاتی مختلف بورژوازی در آن است زیرا تا این گرایشها و گرایشهای با رزددزمینه مسایل مربوط به سیاستهای اقتصادی دولت، چگونگی تقسیم قدرت و برخی جهات دیگر، دو جناح در حکومت شکل گرفته است. وحدت این دو جناح در حفظ نظام بهره کشی و ستم و موجودیت رژیم ولایت فقیه و تحکیم آن، کمونیسم ستیزی، سوری ستیزی و توده ستیزی و جنگ طلبی است در این عرصه آنها موضع یکسان و بیانزدیک به هم دارند و تحت رهبری خمینی متحدا عمل میکنند."

در ادامه به گزارش آمده است:
"... در یک جناح، علیرغم تداوم حضور کرایشات نام همگون و تا کید بر منافق روحانیت تریات و تا بیلات بورژوازی بزرگ تجاری بیشتر منعکس می شود... در جناح دیگر حکومت و نیروهای هستند که در نظرات و سیاستهای اقتصادی آنان علاوه بر تا کید بر منافق روحانیت، منافع بخشهای وسیع تری از بورژوازی، از آن جمله منافع اقشار پایین تر بورژوازی که گاه هوش نشی دولت در کنترل اقتصاد کشور را به زیر پا منافع خود تشخیص میدهند انعکاس می یابد."

در گزارش هیات سیاسی پیرامون جایگاه و نقش خمینی در این کشاکش گفته شد:
"آیت الله خمینی در کشاکش میان دو جناح حکومتی همچون گذشته با تکیه روی موازین اسلام و شعار نه شرقی، نه غربی، نه ما تیسور سیاسی میان آنها ادامه میدهد. نقش ویژه وی آن است که برای حفظ وحدت جناحهای حاکمیت و تا مین نیروی کافی برای دفاع از از جمهوری اسلامی، تلاشی میکند فوق تضادهای جناح بندیهای هیات حاکمه قرار میگیرد. ما نوره ای خمینی در خدمت تحکیم مواضع روحانیت قرار داد و مواضع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران را تقویت میکند."

همانطور که در تحلیل های پلنوم وسیع سازمان ما منعکس است، علیرغم تلاشهای خمینی تضاد درون هیات حاکمه شدت وحدت بیشتری یافته است. در فرسناخنی در جمعیتدین خود از تضاد دو جناحها ذعان میکند که این جناحها "صلا" به دو حزب متضاد تبدیل شده اند. برای ارزیابی سرآینده این کشاکش و علق و تا شیران جوانب خاصی را مورد توجه قرار میدهد.

مناورهای خمینی میان "دو جناح حزب الله" تا کنون تا شیرات متضاد فقی بر جای گذاشته است. این مناورها (که تنها شخص خمینی با تکیه بر موقعیت خود در دستگا ه روحانیت و حکومت قادر به انجام آنهاست) لحظه "اوج نهایی ستیز درونی هیات حاکمه را مدام به تعویق انداخته و منحصر به زشای متعددی میان جناحین شده است، اما آسوی دیگر عدم جانبداری کامل خمینی از یک جناح، رعایت "حرمت" کامل هیسرد و جناح آسوی وی، و طولانی شدن کشاکشها صف آرایها

را بیش از پیش تحکیم کرده و وسط داده است. در وضعیت کنونی، بحران هیات حاکمه عمیق تر و کشاکشهای دو جناح آریستن درگیری های حادثه سوری است.
جنبه دیگری از ویژگی دسته بندی کنونی درون هیات حاکمه، در تقاسم با کشاکشهای گذشته درون هیات حاکمه آشکار می شود. دسته بندی کنونی بسا دسته بندیهای زمان بازرگان وینی مدرضا و ت چده دارد. اگر آن زمان دسته بندی بطور عمده بر سه اصطلاح بین "حزب الله" و "لیبرالها بوده، اینبار دسته بندی اساسا درون "جبهه حزب الله" است. جناح بازرگان و جناح بنی مدر هیجکدام دارای نفوذ و وسعت جناحهای کنونی در میان روحانیت و حکومتیان نبوده اند. به گفته رفسنجانی و دیگر سران رژیم، جناحهای کنونی در همه سببها نهادهای حکومت و قدرت نفوذ دارند و کشاکش

میان آنها در همه این نهادها جریان دارد. از شورای نگهبان و مجلس حکومتی تا دولت و سپاه و ارتش و حوزه علمیه تم و الهه، نماز جمعه، همه و همه جا حزب الهی هادست به بقه شده اند.

یکی دیگر از ویژگیهای کشاکشهای کنونی این است که هیچک از این جناحها، مانند جناح بازرگان وینی مدر، دارای یک "رهبر" تمام عیار خاص خود، که با کتا زدن آن بتوان دست کم در ظاهر آن جناح را کنار زد نیستند. اینبار هر دو جناح دارای سخنگویان متعددی، از سطح مراجع تا کارگزاران دولتی هستند. در ضمن حال هر دو رهبر خود را شخص خمینی میدانسته و خمینی را از آن خود می شمارند. در واقع جناح بندی کنونی "بیت امام" نیز بسط می یابد و شخص ایشان را نیز میان طرفین تقسیم میکند.

جمع بندی همه واقعات فوق نشان میدهد که علیرغم بیرون رانده شدن مخالفین یا منتقدین "ولایت فقیه" از حکومت و سطره روحانیت بر همه ارکان قدرت سیاسی، این بار بدلیل کشاکش اقتاد در خون "جبهه حزب الله" و نظریه عمیق ابعاد این دسته بندی، بحران عمیق حسی گریبان گیر حکومت فقهی شده است. خمینی، حتی چنانچه به جانبداری کامل از یک جناح سپرد از قدر نخواهد بود مانند نمونه های گذشته که جناح دیگر را حذف کند. این در حالی است که برای خمینی ولایت وی تا کنون چیزی ترسناک از آن نبود که خود را در مقابل یک جناح قرار دهند. آنها همچنان مانور میکنند و همچنان جناح را به مانور هستند. امل دوروی ما نور آنهاست، دوروی "وحدت" ظاهری حزب الله، شکست عمیق تر و "راه حل" احتمالی، بحران فاجعه سوری میگردد.

مخالفت مردم با رژیم متراکم میشود

بررسی وضعیت جنگ و بحران اقتصادی و کشاکش های درون هیات حاکمه، چنانچه بسا ارزیابی دقیقی از سطح وعمق اعتراض و مبارزه توده ها همراه نباشد بدون شک ما را در میان ارزیابی های دلخواهانه و بیداری درباره شدت بحران و طول عمر رژیم میکند. حقیقت آنست که اساسی ترین وجه بحران رژیم را باید در مخالفت گسترش یافته مردم با آن جستجو کرد. بر همین پایه باید شدت بحران رژیم را در رابطه مستقیم با سطح مبارزه توده ها علیه رژیم توضیح داد. امروز مردم مین ما به تمام معنی در محاصره جنگ و فقر و اختناق قرار داده اند. جوانان در جبهه های جنگ، شکنجه و کشتن رزمندگان در شکنجه گاهها و زندانها، سرکوب مبارزات توده ها، بیگاری میلیونی، کمزردی گرانای، آوارگی، ستم خونخواران بر رزمندگان و خلقها و اقلیت های مذهبی، بران سازی کشور، نابود سازی دستاوردهای چند هزار ساله فرهنگی مردم، امعا اعتیاد و فساد و توحش و مدهمها و هزارها ستم دیگر توضیح دهنده وضعیت کشور و مردم ما هستند. ستم طبقاتی، ملی، جنسی و مذهبی در حد اکثر آن جار بست. این واقعیت تلخ جامعه ما ست، و اما مردم چه میکنند و جنبش توده ها در پی وضعیتی است؟

بر پایه یک بررسی واقع بینانه میتوان گفت بازرترین خصوصیت حرکت توده ها در لحظه کنونی همچنان روند متراکم شدن مخالفت توده ها با رژیم خمینی است. این روند بشکل افزایش مداوم شمار مخالفین رژیم، تشدید و تعمیق مخالفت توده ها با رژیم، ارتقاء مداوم مخالفتها از سطح ضمنی مخالفت با جنگ و تعطیل کارخانه ها به سطح مخالفت با کل رژیم و بالاخره رند آگاهسی سیاسی در میان توده ها و درعالی ترسین و محدودترین سطح تکوین سمگیری های عیسن سیاسی در میان بخش آگاه و متجربه توده ها تجلی می یابد.

اینکه روند تراکم اعتراض و مخالفت همچنان روند عمده در حرکت توده ها ست، به معنی

نمود نبرد جمعی و علقی از سوی توده ها نیست، بلکه به معنی ضعیف بودن، و بسا راکافی بودن این نبردها ست. بطور قطع باید گفت که شمار اعتصاب ها و تظاهراتی که طی دوسه ساله اخیر انجام شده نسبت به آنچه برای ایجاد یک جنبش توده ای آشکار و سراسری علیه جنگ و رژیم لازم است هنوز بسا اندک است و املا نمیتواند بعنوان یک نقطه عطف در سیر تکامل حرکت توده ها در مقابل رژیم جمهوری اسلامی تلقی گردد.

بدون شک کند آهنگی رشد آگاهی توده ها نسبت به ماهیت و مستکبری رژیم جمهوری اسلامی و وظایفی که در مقابله با آن دارند، بی سازمانی توده ها و عدم حضور موثر بسا تشکلای در کنار توده ها عامل مهمی در پیدایش این وضع است. اما مورزی بسا و هر چیز باید ساختن باشد، سلبه شرایط جنگی و فشارهای اقتصادی و مذهبی رژیم برای جلوگیری از اعتراض و مبارزه توده ها تاکید کرد.

سرکوب و اختناق و سبله عمده رژیم سراسری جلوگیری از مبارزه توده ها و بسا هگان آنست. شبکه عظیم و چند طبقه پلیسی رژیم، از بسا به و کمیته ها گرفته تا انجمن های اسلامی و انواع و اقسام نهادها و ماوران و خبرچینان که درون هر کارخانه و اداره و مدرسه و روستا حضور دارند و همه و همه در خدمت جلوگیری از مبارزه توده های مردم است. هر حرکت اعتصابی و تظاهراتی با واکنش شدید رژیم روبرو میگردد و در بسیاری موارد بخون کشیده میشود. در این میان با بدت تا کید در سطح شرایط جنگی، از یک سو دست رژیم را برای سرکوب و کشتار مردم با زتر می کند و از سوی دیگر نا امنی و ترس مردم از آرینده و از بیگاری و گرسنگی و غیره را چنان تشدید میکند که توده ها به عامل مهم سازنده ای در راه دشمنی زات توده ها تبدیل نمیشود.

فتار اقتصادی و سبله دیگری است که رژیم خصوصا برای مقابله با کارگران و کارمندان از آن بهره می جوید. امروزه کارگران و کارمندان، حتی با کوچکترین اعتراض فردی هم به آسانی از کار اخراج میگردند و به جبهه های جنگ اعزام میشوند یا به ارتش چند میلیونی بیگاران می پورند. کارگران و زحمتکشان برای حفظ کار خود دستبندی به در آمد بخور و نمیر مجبور میشوند از وسایل محتاطانه تر مبارزه که راحتترین آن کم کاری است بهره میجویند علاوه بر این فشارهای مذهبی رژیم و بطور مشخص بهره گیری از دین برای تحمق و ترساندن توده ها و ایجاد تفرقه در میان آنها نقش ویژه ای ایفا میکند رژیم با استفاده از همین عامل "انجمن های اسلامی" را در مقابل کارگران و کارمندان و دیگر زحمتکشان و روشنفکران مردمی علم کرده است.

همانطور که شرایط کشور ما در دهه های اخیر نشان میدهد، شوش به اختناق و سرکوب سراسری حکومتی از رزمندگان حق طلبانه توده ها، اگر چه بتوانند برای مدتی اوچگیری این مبارزات را به تعویق بیا نازد، اما سرانجام خود و سبله ای برای تعمیق و گسترش نفرت مردم از رژیم و متراکم شدن انگیزه نبردی هر چه قاطعتر در اعماق ذهن و زندگی توده ها میگردد. در واقع اعتراض و مبارزه ای که امروز در نتیجه سرکوب نهادن میباند، فردا بشکل بسی سهمگین تر بر سر رژیم رژیم ستم آخوندی مبتا زد.

آری نفرت و اعتراض سهمگین کنونی در اعماق زندگی توده های ما به شتاب متراکم میگردد، ام سرور مینوایم هر چه های از این حریق سوزان را بسببیم که در اعتصابات و تظاهرات کارگران و رنجبران علیه جنگ و اختناق و بیگاری و وگرنای بیرون فتنه میشود و گسترش می یابد، اما فردا، اندکی دیر یا زود، همه این آتش سوزان عیان میگردد و بر رژیم تبهکار مبتا زدن جنگ، بحران اقتصادی، بحران درون هیات حاکمه، بهره کشی، کشتن، ستم و اختناق، همه و همه زمینه ساز حرکت قطعی توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی هستند و لحظه تهاجم گسترده توده ای را نزدیک و نزدیکتر میکنند.

سرم ترین تناز جنبش:

اتحاد برای آلترنا تیبو انقلابی

شراکت کنونی کشور از ایزوسیون شرقخواه چه می طلبد؟ به اعتقاد ما تحقیق اتحاد ایزوسیون شرقخواه و تشکیل آلترنا تیبو انقلابی سرم ترین نیاز جنبش است. وقتی همه ما (سازمان های انقلابی) اذعان داریم که در صفوف جنبش ما ن تفرقه حکمفرما ست، و وقتی می پذیریم که هنوز آلترنا تیبو انقلابی در برابر رژیم ستم آخوندی شکل نگرفته است، وقتی همه ما مستقیم که چگونه اجزای و نیروهای ارتجاعی مخالف رژیم در داخل و خارج بهم نزدیک میشوند و دست یکدیگر را می گیرند و هنگامیکه می بینیم توده های مردم در مقابل آلترنا تیبو انقلابی چگونه آماج تلاشهای منحرف کننده و ارتجاعی مخالفین دشمنان ما قرار می گیرند، دیگر چگونه میتوان نیاز سرم جنبش را چیزی جز اتحاد و تشکیل آلترنا تیبو انقلابی دانست؟

"سیاست حفظ اشتغال" پوششی برای اخراج کارگران

با رسم مردان می روی!

دوش کارگران می‌نهد، وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی به اقدامی که با خدای حق بی‌بیمه‌های ایران خشن است، دست زده‌اند. این اقدام است. استفاده از زمان باقی‌مانده تا میان جمعی برای پرداخت حق بیمه دوران بیکاری به کارگران، کارش تنها دادن "وام بیکاری" به کارگران است. حال آنکه وظیفه صندوق بیمه بیکاری پرداخت بخش معینی از حقوق ماهاست که کارگران به عنوان حقوق دوران بیکاری، که باید تا موقع اشتغال مجدداً رگر با و پرداخت شود.

اخراجهای توده‌ای کارگران که از یکسال و نیم پیش آغاز شده در ماه‌های اخیر وارد مرحله جدیدی شده است. مقدمات آن در ماه‌های اخیر با کم‌زاری در دوره جدید تشدید بحران، تحت عنوان شرایط نوین اقتصادی، نام می‌برند. رژیم با توجه به عوارض اقتصادی و اجتماعی این بحران، بویژه تأثیر آن بر زندگی کارگران، نقشه‌های جدیدی را تحت عنوان "سیاست حفظ اشتغال و جابجایی نیروی کار" تدوین کرده است. در همین راستا به پیشنهاد کمیته سیاست‌های وزارت کار و امور اجتماعی و صنایع کشور و وزیر کار و امور صنایع و صنایع سنگین و کارهای تشکیلاتی، در این سیاست تشریح گردید. مضمون اصلی سیاست دولت در مورد این اصطلاح "حفظ سطح اشتغال" عبارتست از: "صرفه جویی در هزینه‌های عمومی و احدهای تولیدی و صنعتی و باز خرید و جابجایی نیروی کار و اشتغال و تغییر سطح تولید تعدادی از کارخانجات در جهت تولید جنگ افزار و روپوش‌های جبهه در یک دوره ۲ تا ۳ ساله. در این میان، صنایعی که کارگران آن در قبلی زهمه در معرض باز خرید و جابجایی قرار دارند عبارتند از: صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی. اما این امر به ریشه‌های تولیدی فوق محدود نمی‌ماند بلکه بخش وسیعی از واحدهای صنعتی یکسره با لاتاری از کارگران رتبه‌بندی می‌گردد. در همین رابطه است که معانی طرح بر اینها وزارت کار می‌گوید: "در شرایط نوین اقتصادی، واحدهای تولیدی زیر بهره‌برداری قرار می‌دهند. البته به تبعیت و شرکتی و تعطیل بخشی از واحدهای بزرگ و اخراج کارگران آنها.

این سیاست را برای آنکه با اقتصادی و اجتماعی این بحران و اخراج کارگران صنعتی را تا چیزی حدود همدم می‌گوید: "از ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر نیروی کار را غلظت بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تنها ۶۵ هزار نفر در واحدهای صنعتی با لاتاری از این بخش‌ها بکار گرفته شده است. صنایع از زیر بار این گروه قرار دارند". در عرض واحدهای کارگاهی زیر بهره‌برداری قرار می‌دهند. این سیاست، روی دیگر آن سگایست که از طرح و شرکتی تعاونی کردن ذوب آهن و واحدهای دولتی مشابه دفاع می‌نموده و در این قطعه قطع کردن منابع بزرگ و تبدیل آن به واحدهای کارگاهی منطقه‌ها را به برداشتن آنها جنبه اجتماعی است. سیاست حفظ اشتغال و جابجایی کارگران را در این سیاست، یعنی تضعیف بنیادین صنایع دولتی یعنی بخش خصوصی و واردکنندگان کالاها می‌ماند. به نیت قابل تأکید است.

وجه دیگر سیاست اقتصادی "نوین رژیم"، نظامی کردن بخشی از اقتصاد با طریق تغییر سطح تولید تعدادی از کارخانجات صنعتی در جهت تولید جنگ افزار و روپوش‌های جبهه است. این سیاست به بیانه حفظ سطح اشتغال و جابجایی نیروی کار، "تولید جنگ افزار را نشانی تولید کارگاه‌های مورد نیاز مردم می‌کند، و ثورم را تشدید می‌کند، کارخانجات را به سر باز زدن بدل می‌کند، بخش جنگ را تیزتر می‌کند و در یک کلام، بجای درست کردن ابزار و جابجایی نیروی کار در جهت تولید جنگ افزار، به حفظ اشتغال در واحدهای صنعتی و جابجایی نیروی کار و روپوش‌ها در واحدهای تولیدی جنگ افزار، سرمایه‌گذاران و دولت را به تولید ناخالصی در جهت تولید کارخانجات و صنایع جدید می‌رساند. در این سیاست، به عنوان مثال، صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی، از زیر بار این سیاست قرار می‌گیرند. در این سیاست، به عنوان مثال، صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی، از زیر بار این سیاست قرار می‌گیرند.

معنا و وزیرکار برای آنکه با اقتصادی و اجتماعی این بحران و اخراج کارگران صنعتی را تا چیزی حدود همدم می‌گوید: "از ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر نیروی کار را غلظت بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تنها ۶۵ هزار نفر در واحدهای صنعتی با لاتاری از این بخش‌ها بکار گرفته شده است. صنایع از زیر بار این گروه قرار دارند". در عرض واحدهای کارگاهی زیر بهره‌برداری قرار می‌دهند. این سیاست، روی دیگر آن سگایست که از طرح و شرکتی تعاونی کردن ذوب آهن و واحدهای دولتی مشابه دفاع می‌نموده و در این قطعه قطع کردن منابع بزرگ و تبدیل آن به واحدهای کارگاهی منطقه‌ها را به برداشتن آنها جنبه اجتماعی است. سیاست حفظ اشتغال و جابجایی کارگران را در این سیاست، یعنی تضعیف بنیادین صنایع دولتی یعنی بخش خصوصی و واردکنندگان کالاها می‌ماند. به نیت قابل تأکید است.

وجه دیگر سیاست اقتصادی "نوین رژیم"، نظامی کردن بخشی از اقتصاد با طریق تغییر سطح تولید تعدادی از کارخانجات صنعتی در جهت تولید جنگ افزار و روپوش‌های جبهه است. این سیاست به بیانه حفظ سطح اشتغال و جابجایی نیروی کار، "تولید جنگ افزار را نشانی تولید کارگاه‌های مورد نیاز مردم می‌کند، و ثورم را تشدید می‌کند، کارخانجات را به سر باز زدن بدل می‌کند، بخش جنگ را تیزتر می‌کند و در یک کلام، بجای درست کردن ابزار و جابجایی نیروی کار در جهت تولید جنگ افزار، به حفظ اشتغال در واحدهای صنعتی و جابجایی نیروی کار و روپوش‌ها در واحدهای تولیدی جنگ افزار، سرمایه‌گذاران و دولت را به تولید ناخالصی در جهت تولید کارخانجات و صنایع جدید می‌رساند. در این سیاست، به عنوان مثال، صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی، از زیر بار این سیاست قرار می‌گیرند. در این سیاست، به عنوان مثال، صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی، از زیر بار این سیاست قرار می‌گیرند.

وجه دیگر سیاست اقتصادی "نوین رژیم"، نظامی کردن بخشی از اقتصاد با طریق تغییر سطح تولید تعدادی از کارخانجات صنعتی در جهت تولید جنگ افزار و روپوش‌های جبهه است. این سیاست به بیانه حفظ سطح اشتغال و جابجایی نیروی کار، "تولید جنگ افزار را نشانی تولید کارگاه‌های مورد نیاز مردم می‌کند، و ثورم را تشدید می‌کند، کارخانجات را به سر باز زدن بدل می‌کند، بخش جنگ را تیزتر می‌کند و در یک کلام، بجای درست کردن ابزار و جابجایی نیروی کار در جهت تولید جنگ افزار، به حفظ اشتغال در واحدهای صنعتی و جابجایی نیروی کار و روپوش‌ها در واحدهای تولیدی جنگ افزار، سرمایه‌گذاران و دولت را به تولید ناخالصی در جهت تولید کارخانجات و صنایع جدید می‌رساند. در این سیاست، به عنوان مثال، صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی، از زیر بار این سیاست قرار می‌گیرند. در این سیاست، به عنوان مثال، صنایع نساجی، خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی، از زیر بار این سیاست قرار می‌گیرند.

- می بینمت ، می بینمت ،
- رو سوی زندان میروی .
- با جرم عشق کارگر ،
- با یاد دهقان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- ذیحق ، مبارز ، مستقل ،
- نی مضطرب ، نی منفعل ،
- برداشته سر ، باکدل ،
- برعزم و ایمان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- آنان که باید بینمت ،
- افراشته قد بینمت ،
- با سفر سجده بینمت ،
- آوده وجدان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- بدخواه تونگین بود ،
- دستش زخون رنگین بود ،
- از عاقبت غمگین بود ،
- اما تو شادان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- بس راه‌ها سنجیده‌ئی ،
- راه نکو بگزیده‌ئی ،
- با ظلمان جنگیده‌ئی ،
- با فقر شایان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- اکنون بزندان بینمت ،
- فردا به میدان بینمت ،
- در بین باران بینمت ،
- با فتح رخشان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- «باو القاسم لاهوتی»

نما بد. وظیفه همه اعضاء و هواداران سازمان، کارگران و سربو مبارز و همتایان محقی کارگران رتبه‌بندی، از باستانی تا طاعنه‌ها، سیاست حفظ اشتغال رژیم برای توده کارگران و مردم، فضای بیکاری را به طاعنه‌ها، جنگ و گسترش دامنه‌ها، جابجایی نیروی کار و معنوی توده‌های علیه جنگ و اخراج، جلب حمایت مادی و معنوی کارگران و همه واحدها و نیز پشتیبانی توده‌های مردم از حق اشتغال کارگران ایران تا سبوتال و واحدهای مشابه، سازماندهی کارگران کارگران اخبار در پیوند فعالین شاغل، انعکاس سریع اخبار مربوط به اخراج و مقاومت کارگران در همه واحدها و تلاش برای هماهنگ کردن این مبارزات، سازماندهی راهبیمایی، جمع و تحویل در محوطه کارخانه و وزارتکار، تنظیم نامه‌های اعتراضی دسته جمعی برای کمیته اشتغال وزارت کار و تلاش برای انعکاس این مطالبوعات و واحدهای همجوار، ایجاد صندوق‌های حمایت از کارگران اخراجی و تبدیل صندوق‌های و اما متوازی به صندوق حمایت از کارگران اخراجی، مبارز برای تامین حق بیمه بیکاری و وسیع شده کارگران با شعار ربا دادن به باز خرید و اخراج و قطع بیدرنگ جنگ، تنها اتحاد و تشکیل کارگران ضمن پیروزی در مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم جنگ و سرور جمهوری اسلامی است.

برای متوقف کردن سیل اخراج، علیه جنگ پیاخیزید

رهنمود برای کار مخفی در وضعیت کنونی

بررسی همه جانبه و جمع بندی تجارب حاصل از مبارزه علیه پلیس سیاسی و کار ریست آن در عمل، یکی از ضروری ترین کارها در مبارزه انقلابی و یکی از عمده ترین و موثرترین راههای مقابله با دشمن طبقه ای است. اما توجه جدی همه اعضای هواداران و ودیکر انقلابیون میهن را به رعایت دقیق و خلاقانه نکات زیر که حاصل تجربه سه سالهای اخیر است جلب مینماید:

۱- کار منظم، به اندازه و طبق برنامه
در زندگی تشکیلاتی، حرفه ای لحظاتی فرا میرسد که بیوهی از کسبان انقلابی را در مقابل خود می بیند که با بدرد مدت زمان کوتاهی انجام دهد. اینگونه مواقع مخصوصاً برای آندسته از رفقای که فعالیتها را در مکانها لازم و تجربه کافی برای استکونبه لحظات اندوهناک آنها را با طرقت جدی همراه بوده است زیرا انجام نشود کسب در زمان کم، موجب افزایش حرکت و کاهش دقت در یکا رگیری ضوابط و معیارهای کار مخفی شده و معمولاً تخریبی را کاهش میدهد. برآه مقابله آندسته که:

۱- تلاش شود که با برآسانی توان برداشته شود.
۲- قبل از شروع کار و برآوردن هزینه حساب شده ای طرح ریزی گردد که جواب آسب آن دنیفا سنجیده شده و در آن برای حوادث احتمالی تدارکات ضروری پیش بینی شده باشد.

۳- در جریان کار رومی از انجام هر مرحله ای از آن با بدجوانب کار را بررسی کرد. چه ساین بررسی دقیق بهمان نشاندهنده داده اما جرای آن طرح غیر ضروری یا رای آن آواست و با تاید برای تدوم کار رنبا زبه تغییراتی جدی در زمان و بیاچگونگی اجرای آن وجود داشته باشد.

۴- بهیچ وجه مجاز نیست که بدلیل تسریع در اجرای یک وظیفه، ضوابط ارتباطی و امنیتی زیر پا گذاشته شده و یا سبست گردد.

۵- وظایف برافرا در هر طرح اجرائی با ایستی متناسب با توان و تجربه آنها تعیین کرد. این درک درستی از قدا کاری انقلابی نیست که رفقای مسئول بخش عمده کارهای برخطا طره را خود بدوش بکشند. چه بسا بدینرین حجم بالای مسئولیت های اجرائی برخطا طره از جانب مسئول، موجب تضعیف کار ربرنبا مه ریزی شده، سستی ارتباطات و کاهش هنرهای انقلابی در کل شبکه تشکیلاتی مزبور گردد.
۶- تراکم کار در زمان کوتاه همیشه یک امر عادی و طبیعی نیست. این امر معمولاً سالی از سالی برنامگی و یا عله در انجام کارها سته پیشتر است که کار رکم اما با کیفیت بالا انجام میدهند تا کار رزبا بد حد اقل دقت و کیفیت.

بترجیح کیفیت بر کمیت
ما با دیدن توجه همه رفقا را به اصل علمی فرق جلب میکنیم. شرط ضروری برای اجرا در آوردن این اصل آندسته که حرفه ای مسئول به امر مبارزه انقلابی سبسه سبانه! مری زد گذر و ساد ه بلکه بهمانا به مری در از مدت و بیچیده نگا کند. در هر حرکتی انقلابی نباید هدف فقط حجم و سرعت و کمیت باشد بلکه با بد کیفیت و چگونگی انجام آن کار ملابورد نظر باشد.

برای انجام هر کار انقلابی با بد بار زور و سایل و راههای متناسب دستیا بی به آن کار را مستحکوم کرد و قبل از شروع هر کاری جوانب آن را با راه مور، بر سر سبسی همه جا سببه فرا داد. چه بسا وسایل و راههای کیفیتا نویستی کشف کرد که هم انجام کار را تسهیل کند و هم با زده با لوظرات کم همراه باشد. مثلا: انتخاب کسب اد مساب برای هر امر منحصی یکی از کلیدی ترین توانین کار رما زمانی است. عمده ترین معیار برای انتخاب کار درها و مسئولین در شرایط کار مخفی آندسته که رفیق ضرور دارای خصوصیات انقلابی، آندگی و تجربه مبارزه با پلیس سیاسی باشد.

کلید رفقا با بدیه این مسئله که مبارزه طبقه ای یک دانش است توجه جدی ستر سنا بدویا و رتقاء دانش خود در کلیه عرصه های آیدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی همت کنند.
دشمن همواره در تلاش خواهد بود که به اشکال کارما دسترسی یابد. ضروری است که در هر کار راههای کیفیتا نویستی کشف گردد و دیگر بسته شود.

مقابله با رذکیری پلیس از طریق خانواد و بر خری اماکن علنی
یکی از سناخته سترن با کتیک های پلیس سیاسی جهت دستگیری انقلابیون حرفه ای مراقبت از بر خری اماکن و محل های ست که انقلابیون حرفه ای به آنجا رفت و آمد کرده و یا تماس میکنند. اما مکانات خانواد و هواداران سناخته شده، سرکت یا محل کار سابق، سرکت های مسافربری، کاراژهای حمل بار، فرودگاه، ایستگاه متار، کارساق های روز سنده و سایل انتشاراتی، کتا بفروشیها و سنا بلصفا نه از این قبیل اند. روش کار پلیس اینست که بطرق گوناگون ایسسن اماکن را تحت نظور مراقبت فرار میدهند تا سرخ هائی بدست آورد و سپس از طریق رذکیری و یا تلفیق بد فرودیا افرادی از شبکه تشکیلاتی و سپه به خود شبکه تشکیلاتی دست یابد.

کنترل مستقیم همه اماکن علنی و خانواد انقلابیون برای پلیس غیر ممکن است و با سرحب نوع رابطه انقلابیون حرفه ای با این اماکن و حداطلاع پلیس میتوان آنها را سده و دسته تقسیم کرد:

۱- خانواد بر خری از انقلابیون حرفه ای و اماکن و محل هائی که ایندسته از رفقا نوردر آن محل کار میکنند و سببا تماس های گرفته اند و یا سناد فرسارد هوادا روسیاتی که احتمال کمک شان به سازمان می رود و پلیس بنحوی از آن اطلاع ورده و در آن تحت کنترل مستقیم و غیر مستقیم فرار میدهد. کنترل ممکن است تا طولانی و در مواقع دورهای باشد.

۲- کنترل و مراقبت عمومی از اماکن عمومی و نقاط حساس ارتباطی که در سالنا میرده دند. در این موارد پلیس اطلاع مخفی از چگونگی، مقدار روز سبسان اسناد انقلابیون از این اماکن را نداشته و در مشخصی ندارد. ولی بعضی اطلاع و با سنا هده مستقیم از حرکت مشکوک آنها را تحت نظور مراقبت شدید قرار میدهد. تجربه نشان داده است که رجوع کار درهای حرفه ای به اینگونه محل هسا و اماکن با طرقت جدی همراه بوده است. از طرف دیگر در مواردی ضروری است که رفقا خود مستقیما از بر خری از اینگونه اماکن استفاده کنند. چه یابد کرد؟

نظور استفاده از اینگونه اماکن اینست که هم به روش های کار پلیس آسنا بیروم و هم به قوانین مبارزه با پلیس سیاسی.

عدم توجه جدی به ضوابط کار مخفی در اینگونه موارد نده تنها ممکن است سبسه دستگیری برآجه کند و سببا سنا مد، بلکه از طریق رذکیری رفیق، ممکن است شبکه ای از تشکیلات لو برود. برخی ضوابط استفاده از اماکنات مهم:

۱- آنجا که ممکن است سنا بدکار درهای حرفه ای به اینگونه اماکن مستقیما رجوع کنند. بلکه با بد اینکار را از طریق رفقای کمکی و طبقه های واسط انجام دهند. هرگاه کار درهای حرفه ای مجبور به استفاده مستقیم از اماکن علنی شدند با بد ضوابط زیر را دقیقاً رعایت کنند:

- قبل از رجوع به این اماکن و محل ها با بد بطریق ضرور از مخنمات آن محل

شنا سائی داشته و از سلامتی امنیتی ان با خبر باشند.
- با بد زمان مناسبی برای اینکار انتخاب شود که امکان ضرور و بروز سنا قات احتمالی وجود نداشته باشد و یا به حد اقل برسد.
- رجوع کند و قطعاً با بد توجه کا ملتا سب و مدارک قانونی لازم جهت ایسب کار را بهیچراه داشته باشد. دانشن مدارک غیر ضرور و رده و رطلقا متنوع است.
- بعد از استفاده از این گونه اماکن برآسانی آموزش های داده شده با بسبب ضوابط ضد تعقیب را بطور کامل و طولانی با جراه گذاشته بهیچ وجه سنا بد مستقیما از چنین اماکن علنی به یک اماکن مخفی رفقت.
- رفیق مراجعه کننده پس از استفاده از اماکن سنا میرده و پس از اطمینان کامل از اینکه ردی با خود بهیچراه ندارد از طریق علامت سلامتی با بدوا حدمربوطه خود را مطلع کند. در صورت تعقیب با بد از طریق دادن علامت خطروا حدمربوطه را در جریان گذاشته و مطلقاً به اماکن مخفی مراجعه نکند.
- رفقای مسئول مراجعه کننده به اماکن سنا میرده حتی المقدور با بدیا خسود کوپل بهیچراه نداشته باشند.

برخی ضوابط مربوط به ارتباط گیری کار درهای حرفه ای با خانواد، دوستان و آشنا یان:

- ضروری است که شبکه تشکیلاتی با خانواد، دوستان و آشنا یان، و رفقای هوادار ارتباطی داشته باشد و یا بطریق آزان آن کسب اطلاع کند و یا در مواقع تعقیب کمک های بگیرد. ولی اینکه کار درهای حرفه ای خود مستقیما به آن سرکشی سنا بند، بهیچ ضرورتی ندارد. نقش اصلی این رفقا با بدیا زمان سنا دهی این ارتباطات با بد ضرورت سنا زوا جبا ربا بدیوار رذکیری را دقیقاً رعایت کنند.

- با بد بطریق از وضعیت سلامت امنیتی و کیفیت روحی و سیاسی آنسنان و میزان آندگی شان دانشنا و منظملاً اطلاع یافتند.

- مراجعه به این افراد با بدیا محاسبات دقیق همراه بوده باشد. تجربه نشان میدهد که پس از محاسبه جوانب با دشده و کسب سلامت، رفت و برگشت سریع و با مطلع " سرزده" همراه با طرقت کمتری است.

- کمک گرفتن از این افراد سنا بدیا سنا و مدارک با بدیا رطلقا غلط است و احتمال رذکیری و فرجه بدیبری را سببا ربا لامیبرد.

- قبل و بعد از برقراری تماس با بدی طرح ضد تعقیب به جراه گذاشته شود.
- همواره دانشن مدارک سازمانی مطلقاً خطا و خطرناک است.
- دادن سلامتی به واد حدمربوطه بعد از تماس کا ملا ضروری است.
- در صورتیکه سنا متوا نیم و یا سنا بخوا هیبه محل زندگی یا محل کار فرسود سنا نظر ما ججه کنیم، میتوانیم با سنا با هی محل عبور و مرور را، بعد از اطمینان از سلامتی او، بطور سنا گها نی، " سرزده" با آوت سنا بگیریم و با وسیله نقلیه او را از منطقه خارج کنیم و وظایف سنا را انجام دهیم. موتور مطمئن ترین وسیله برای این کار است.

- تجربه نشان داده است که ملاقات کار درهای حرفه ای با خانواد سنا در سنا زل سنا خسته شده (منزل بدی) با خطور رذکیری و دستگیری همراه است. در صورت ضرورت تماس با خانواد با بدیا راههای جدید پیدا کرد (بنحوی نمونه: دیدار در سنا زل افرادنا میل که تحت نظر سنا شدند، دیدار در شهر دیگر و یا اماکن ثالث و...).

بیکای سنا در باره با رجوشی و خنشی کردن اطلاعات تلو رفقت
بیکای زروش های پلیس سیاسی جهت کسب اطلاعات انقلابیون اسبر، تلاش برای درهم شکستن روحیه رزجویا نه آنان و اعتنا دشان به همزمان و به تشکیلات شان است. این تلاشهای پلیس به اشکال مختلف و با استفاده از وسایل گوناگون صورت میگردد.

بیکای از راههای اینست که پلیس از طریق طرح سوالاتی صحنه سنا زیسها بیی و اینو بد می کند که شبکه تشکیلاتی رفیق، عملکردهای آن و ارتباطات او اطلاعاتی دارد. این عمل پلیس اصطلاحا "تلوف زدن" نامیده میشود. هدف از تلوف زدن این است که انقلابی اسبر به این نتیجه برسد که مقا و مایه و بیسنا یده است چون پلیس همه چیز را میداند!

- رو بگو کردن اطلاعات بدست آمده. در این مورد پلیس بخشی از اطلاعات عمومی خود را همراه با اطلاعات شخصی که در یک پروسه از طریق تعقیب و مراقبت است، استراق سمع، دستگیری و... بدست آورده و میبکشد. پلیس اینکار را بنحوی انجام میدهد که چنین آسناد شود که از همه چیز مطلع است.

- رو بگو کردن با رفقای همزم و یا با گسانی که مقا و مت شان در هم نکتسته شده، بیکای دیگر از سگردها ستر در این مورد پلیس تلاش می کند با سنا سنا زیسها بی نشان دده که رفیق همزم دستگیر شده ضعف نشان داده و به همه چیز اعتراف کرده است. در مواردی دیده شده است که پلیس برای درهم شکستن مقا و مت رفقای دلیرمان افراد شکسته شده ای را که وابستگی سنا زمانی با سنا ندارند با رفقای اسبر و رو بگو کرده است تا با صلاح "عبرت" برای آنان باشد.

همه این اقدامات جنایتکارانه شستی بخاطر یک هدف انجام میگیرد: کسب اطلاعات و بزور آوردن اسیران انقلابی.
تحت هر شرایطی از کتیکه میتوان و با بد اسرار درون سازمانی را حفظ کرد. پلیس ممکن است به بخشی از اطلاعات ما از طریق مختلف دست یافته باشد ولی او میسوا هده که انقلابی اسیر این اطلاعات را تکمیل و سنا کند و یا اطلاعات جدیدی بدهد. با سنا هیچ اطلاعاتی نندارد و میسوا هده با یکا رگیری شکسته شدید، بلسوف زدن و آرا شه چند تنه مشخص، ما را واداره دادن اطلاعات ناعاید. تجربه اثبات کرده است که هرگاه انقلابیون مصمم باشند و روحیه انقلابی خود را حفظ کنند، قاندر سنا همه این تلاشها را قهرمانا سنا خنشی سازند.

خنشی کردن اطلاعات تلو رفقت
- بمحض اطلاع از دستگیری یک رفیق و یا چند تن از رفقا، مسئولین واحدهای تشکیلاتی مربوطه موظف اند که در جهت خنشی کردن اطلاعات پلیس اقدامات بعدی و برآیند، اینکار را با بدیا هوشیار و در عین حال با تحرک بسیار و با رعایت کامل طرحهای ضد تعقیب صورت گیرد. زیرا اقدامات عجولانه و یا روش های سنا داده خنشی کردن اطلاعات پلیس، در مواردی خود موجب داد سنا سنا های جدیدی میشود. تجربه بخوبی گوید این حقیقت است که همواره خلاقیت، هوشیاری و تحرک مساب قاندر شده است که کما مل ترین طوطه های پلیس سیاسی را با شکست مواجه سازد و از این طریق اسناده کار ر تشکیلاتی را سنا فین کند.

بقرار و علامت سلامتی
بیکای از معمولی ترین روش های پلیس سیاسی جهت گسترش ضربه از یک فرد سببه افراد دیگر و به شبکه تشکیلاتی رذکیری انقلابیون در جریان اجرای قراوها و سبسا وادار کردن افراد را اعتراف قراوها یان و گشادن آنان بهیای قرا راسته. رجوع به محل قرا بردن دانشن و یا بدون توجه جدی به علامت سلامتی همواره با طرقت جدی همراه بوده است.
دو طرف اجراه کننده قرا با بدیا با سنا طله زمانی مناسبی قبل و بعد از اجرای قرا بنحوی از سلامتی یکدیگر مطلع شوند، تا اطلاع کامل از سلامتی طرف مقابل سنا بد بقیه در صفحه ۹

مرحله انقلاب، نیروهای محرکه انقلاب

طرح استراتژی و تاکتیک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انقلاب ملی ودمکراتیک ایران که درکار شماره ۳۰ انتشار یافت، سندی است که برشالوده آن فعالیت انقلابی سازمان ما استوار می گردد. همانگونه که از عنوان سند پیداست ترسیم کننده خطوط عمده راهی است که انقلاب ملی ودمکراتیک ایران برای پیروزی و فرا روثی به انقلاب سوسیالیستی باید بینماید. این طرح " درعین حال مبنایی برای تدوین برنامه سازمان ما است. بنابر تاکید پلننوم وسیع، میتوان و باید در راستای تدوین برنامه، از طریق بهره گیری هرچه گسترده تر از خود و تجربه اعضا و کارهای سازمان و دیگر فعالین جنبش کارگری و کمونیستی ایران آنرا هر چه غنی تر و همه جانبه تر ساخت و به اثنا به راهنمائی پرارتیک مبارزاتی طبقه کارگر ایران بکار گرفت. پیشاهنگ طبقه کارگر ایران تنها نیرویی است که قادر است راه پیروزمند نبرد انقلابی را بروی قلد بگشاید. لنین خاطرنشان می ساخت: " آنچه مهم است اطمینان در انتخاب صحیح راه است و این اطمینان است که انرژی و شور انقلابی قادر به معجزه را مدبار افزایش می دهد! " هم تصویب و انتشار طرح استراتژی و تاکتیک سازمان و هم تشریح و توضیح آن و سایر مصوبات پلننوم وسیع فروردین ۶۵ که ما مجدداً به آن خواهیم پرداخت، از جمله اهدافی که تشقیب میکنند، آزاد سازی و سازمانگری این " انرژی و شورا انقلابی

تاکتیک " ، اصل لنینی کاربرد صحیح مارکسیسم لنینیسم بر شرایط مشخص جامعه ما بوده است. پلننوم وسیع فروردین ۶۵ کوشید با تکیه بر ممانتی استراتژی و تاکتیک لنینی در انقلاب ملی ودمکراتیک و با بهره گیری از تجارب انقلابی دیگر کشورهای و پیوژه ها تکیه بر تجربه بزرگ انقلاب بهمین که در شناخت خود پیوژی های جامعه ما آموزش های بزرگی دربر داشت و دارد، و بطرز صحیح انطباق دهد. مشخص جامعه ما خلاقانه و اصول را در انتخاب و در انکون نشربه کار نظریه اهمیت مسائل. تشریح این جنبه فعالیت پلننوم را وظیفه خود قرار داده است. تشریح دیدگاه پلننوم در تبیین مرحله انقلاب ایران، نیروهای محرکه انقلاب، سیاست احادها و تشکیل جبهه، امر تا مین رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی - دمکراتیک و حاکمیت انقلابی خلق، بشرویی بیکسر انقلاب و فرا روثی آن به انقلاب سوسیالیستی و نظا بسر آن بدون تردید سلاح تشویرک جنبش ما را درنبرد پیروزمندان علیه انحرافات راست و " چپ " مستقل می دهد و در امر ترک سازمانگری جنبش کارگری ایران و هدایت جنبش انقلابی خلق تا شورتایسان برجا خواهد گذاشت. مقاله حاضر به بررسی دیدگاه پلننوم در برخورد با دوساله کلیدی، یعنی مرحله انقلاب و نیروهای محرکه انقلاب ملی ودمکراتیک مردم ایران پرداخته است.

قادر به معجزه " است. لنین " مباحثه خلاق " را " ثروت عمومی حزب ما "، حزب بلشویکیها، توصیف می نمود. اکنون وقت آنست که مباحثه خلاق پیرامون مسایل استراتژیک و تاکتیک انقلاب ایران را دستمایه شکوفان کردن آن ایمنان نیروبخش و شور آفرینی سازیم که به درستی راه برگزیده ایم و مضمیم آنرا تا به پایان بسا گامهای استوار طی کنیم.

در این مسئله کوچکترین تردیدی وجود ندارد که تدوین استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران وظیفه تاخیر ناپذیر ما کمونیستهای ایران است. مسئولیت پاسخگویی به مسایل استراتژیک و تاکتیک جنبش در پیشگاه طبقه کارگر ایران و در برابر نهضت بین المللی کارگری و کمونیستی برعهده پیشاهنگ طبقه کارگر ایران است. چنین درکی ما را به پایبندی خدشه ناپذیر به مارکسیسم لنینیسم و انترنا سیونالیزم پرولتری فرا می خواند و مشوق ما در بهره گیری هرچه گسترده تر از تجارب احزاب برادر در سراسر جهان و احساس تعهد و مسئولیت در قبال ترساختن گنجینه تجارب جنبش جهانی کارگری و کمونیستی است. لنین مکرراً به لزوم کاربرد صحیح اصول عام، بر طبق خصوصیات پیوژه هر ملت و کشور مربوط به آن تاکید نموده است. نقطه عزیمت رهبری سازمان ما در تنظیم طرح استراتژی و

طرح متدیک مساله

دمکراتیک را آشکار ساخت و بر همین پایه ناگزیری انواع انتقالی یا مانی انقلاب را که محصول " درم تنیدگی عناصر گذشته و آسند " هستند، نتیجه گرفت. وی در بررسی شرایط عینی در روسیه، شکل گیری دوگروه انضادها را، در عصر امپریالیسم، که موجب پیدایش دو جنگ احتمالی است مطرح کرد. تضاد بین نیروهای مولده و شدیا بنده با بقایای فئودالیسم و تضاد بین خلقت اجتماعی تولید و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید در شبه تولید سرمایه داری. بقایای فئودالیسم در راه رشد بیشتر سرمایه داری و عامل انقیاد جامعه و بالنتیجه پایه عینی مبارزه پروروازی و مردم علیه ترالیسم و مالکین بود. در عصر امپریالیسم روابط تولیدی سرمایه داری به عامل بازدارنده رشد نیروهای مولده تبدیل شد. بنابر این تضاد دومی با سه عینی مبارزه پرولتاریا علیه مناسبات سرمایه داری بود. لنین نوشت: " در روسیه معاصر مضمون انقلاب در بردارنده " نه دوشیروی در حال رزم سا بکدیگر بلکه دو جنگ اجتماعی مختلف و ناهمگون است. یکی جنگ در طبق نظام استبداد سروز کنونی و دیگری در طبق نظام پروروازی دمکراتیک آسند که دیگر در برابر چشمان ما وجود می آید. یکی مبارزه همه خلق در راه آزادی " حق راه آزادی جامعه پروروازی " و در راه دمکراسی یعنی در راه دیکتاتوری خلق است و دیگری مبارزه طبقاتی پرولتاریا با پروروازی در راه ساختار سوسیالیستی جامعه... دو جنگ ناهمگون هم از لحاظ خلقت، هم از لحاظ اهداف و هم از دید ترکیب نیروهای اجتماعی مستعد برای شرکت قاطع در این بآن یک. "

" طرح استراتژی و تاکتیک... معتقد است: " انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلقت تضادها و آرایش نیروهای طبقاتی آن کماکان در مرحله ملی ودمکراتیک قرار دارد. "

در " طرح... " تشریح شده است: "... جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی - دمکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. "

" طرح... " نتیجه می گیرد: " نیروهای محرکه انقلاب ملی ودمکراتیک ایران عبارتند از: طبقه کارگر، دهقانان، خرده پروروازی شهری و روشنفکران خلقی. "

موازین متدیک این احکام کدامند؟ و بر پایه کدام تحلیل مشخصی از واقعیات کنونی جامعه ما این استنتاج به صورت گرفته اند. ابتدا بیاییم در طرح صحیح مساله بگوئیم. هم دانش و هم تجربه می آموزند که طرح صحیح مساله کلی نسبی از مساله را در بر دارد.

بر پایه آموزش مارکسیسم - لنینیسم هیچ انقلابی تا زمانیکه شرایط عینی و ذهنی آن نفع نیافته باشد به ظهور نمی رسد. در پیروزی از همین حکم است که لنین وقتی میخواند مضمون انقلاب دمکراتیک روسیه را مدلل بسازد متذکر می شود که سطح فعلی تکامل اقتصادی روسیه (شرط عینی) و سطح فعلی آگاهی و تشکل توده های وسیع پرولتاریا (شرط ذهنی) که ارتباط لاینفکی با شرط عینی دارد (آزادی تمام و قوری طبقه کارگر را غیر ممکن میسازد " (دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک). "

لنین بطور مشروح ترمی افزایش: " اگر کارگران از ما بیبرسند چرا ما نباید برنامه ما حداکثر (انقلاب سوسیالیستی) را اجرا کنیم، ما در پیاست متذکر خواهیم شد که توده مردم که دارای تمایلات دمکراتیک هستند هنوز از سوسیالیسم خیلی دورند، هنوز تضادهای طبقاتی نفع نگرفته است و هنوز پرولتاریا مشکل نشده است... (۴) "

این استنادات با روشنی تمام چگونگی طرح متدیک مساله را بدست می دهند و می آموزند که برای تعیین مرحله انقلاب باید سطح تکامل جامعه، خلقت تضادها و آرایش نیروهای طبقاتی در مجموع خود در نظر گرفته شود. اما این یک جنبه مساله است. مساله، جنبه براهیمت متدیک دیگری نیز دارد.

جها ما زیر تاثیر نبرد میان نیروهای سوسیالیسم و امپریالیسم رنگ می گیرد. بزبان روشن تر اگر عوامل پیش گفته در چارچوب دوران تاریخی که در آن بسر می بریم، بررسی شوند از مضمون تحول انقلابی در جامعه ما درک صحیح بدست می دهند. روی این جنبه مساله مکتب می کنیم: سده بیست در مرحله پایان گذار از سرمایه داری رقابت آزاد به سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم)، مرحله ای که با زرفش چشمگیر تضادهای نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی مشخص می شد، آغاز گردید. لنین تاکید میکند که با ظهور امپریالیسم دوران آقایی پروروازی در تاریخ بسر آمده و فرمان تاریخ در دستهای پرولتاریا معاصر قرار گرفته است. خدمت لنین به روند انقلاب جهانی تنها این نبود که با تحلیل امپریالیسم بمناب عالیترین مرحله سرمایه داری و آستانه سوسیالیسم، امکان پیروزی سوسیالیسم در کشور واحد را مدلل ساخت. او با تبیین اصل بشوایی و سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک برای کارگران و خلقهای سراسر جهان در بیکار علیه پاسداران " جامعه کهنه " درنبرد پیروزمندان علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه ایجاد " جامعه نو " چشم اندازهای نوین گشود.

انقلاب پروروازی - دمکراتیک امکان حل جنگ اول اجتماعی را فراهم میسازد ولی قادر به انطباق نیروهای مولده با مناسبات تولیدی نیست. در حالیکه یک تضاد اجتماعی به فرجام می رسد، تضاد آزادی دومی عریان تر و حادث رخ می نماید. بیمنی خاطر " آزادی جامعه "، فرآوری انقلاب پروروازی - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را الزامی میکند. از اینجا نقش تاریخی و اجتماعی و انقلابات پروروازی دمکراتیک تغییر می یابد. قبل از عصر امپریالیسم، انقلابات پروروازی - دمکراتیک با همونی پروروازی صورت می گرفت. این امر زمانی بود که پروروازی نماینده مناسبات تولیدی باشد بود. ولی در عصر امپریالیسم کسسه سرمایه داری به مرحله گندیدگی گام گذاشت و پروروازی " بارشده آسند گرایشهای ارتجاعی " مشخص میشود، به فرجام رساندن انقلاب پروروازی - دمکراتیک برعهده پرولتاریا قرار گرفت.

لنین تاکید میکند که مرحله دمکراتیک نباید به دستیابی به اهداف پروروازی - دمکراتیک محدود شود. " پیروزی قطعی انقلاب حاضر، پایان انقلاب دمکراتیک و آغاز مبارزه قاطع برای انقلاب سوسیالیستی را مشخص میکند. " (مجموعه آثار جلد ۹ ص ۱۳۰)

براین پایه لنین انقلابات پروروازی - دمکراتیک و سوسیالیستی در عصر امپریالیسم را بمناب به دور مرحله از یک روند انقلابی ارزیابی میکند. لنین تاکید میکند که عصر انقلابات پروروازی - دمکراتیک کلاسیک سر آمده و اینگونه انقلابها در طراز نوینی قرار گرفته اند. اکنون انقلابها ملی - دمکراتیک از قلمرو اهداف اقتصادی - اجتماعی پروروازی - دمکراتیک فرا تر رفتند، و هدفهای جهانی ملی و جهانی اجتماعی به نحو ارگانیک در هم عصبان شده اند.

لنین در انقلاب دمکراتیک روسیه تا کمد مکرر که در شرایط نوین دیگر نه تنها دو جبهه، بلکه سه صف بندی در بیکار های سیاسی و اجتماعی گشوده میشود: - صف حاکمیت ارتجاعی که حیات خود را در مرگ انقلاب جستجو می کند. - صف سازش که تحت رهبری پروروازی لیبرال در راه سترون ساختن انقلاب دمکراتیک و بندوبست با ارتجاع می کوشد.

- صف انقلابی - دمکراتیک خلق که برشالوده اتحاد کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر در راه پیروزی قطعی انقلاب می رزمند. (۵) بیوی نشان دادن اهمیت اساسی این شوع نگرش به انقلاب و نیروهای

لنینیسم در پرتو پیروزی سوسیالیسم در روسیه نشان داد که امکان گذار به سوسیالیسم حتی برای کشورهای کم تحت سلطه استعمار امپریالیسم بسر می برند و در درجات نازل رشد اجتماعی - اقتصادی قرار دارند، بدید آمده است. لنین خلقتانه دیا لکتیک در هم آمیختگی عناصر کهنه و نو در انقلابات

محرکه آن، کافی است به این سخن لنین استناد کنیم که گفت:

"تقسیم به دو اردو، فریب سیاست لیبرالی است که گاه متأسفانه کسانی از هواداران طبقه کارگر گمراه میکنند، طبقه کارگر تنها پس از آن که ناگزیری تقسیم به سه اردوی اصلی را فهمید، میتواند بسا بهره گیری از درگیری های اردوی اول با اردوی دوم و بدون دقیقه ای فریب و راجی با اصطلاح دمکراتیک لیبرالها را خوردن، سیاست کارگری خود و نه لیبرالی را در عمل پیش برد." (A)

این نگرش بیانشگر اسلوب بر اهمیت لنین در تعیین نیروهای محرکه انقلاب بود. کاربرد خلاق ماتریالیسم تاریخی از سوی لنین، بردوران جدید آشکار کرد که درختستین دهه سده بیست، در شرایطی انقلاب برای "زادی جامعه بورژوازی" در روسیه و بخش های بزرگ جهان خاور فرامیرسید که برولتاریا در مبارزه علیه آن نیروهایی که خواستار انقیاد "جامعه نو" بودند، سلاح خود را صیقل داده و قادر به گرد آوری آنچنان قوایی بود که میتوانست در طوفان انقلابی اجتماعی که فرامی رسید، "بورژوازی را بمثابه یک طبقه نابودسازد". لنین می آموخت: در حالیکه "بورژوازی بمثابه یک طبقه راه خبانت به انقلاب دمکراتیک و آماج های آنرا در پیش میگردد و به سازش با امپریالیسم و ارتجاع رو می آورد، دهقانان بمثابه توده، به رهبری حزب انقلابی و جمهوری خواه ملتجی می گردند. و استعدادهای آنرا دارند که در اتحاد با طبقه کارگر "انقلاب دمکراتیک را بپایان خود رسانند." (۹)

تجربه و رویدادهای انقلابی پس از اکتبر، درستی این نگرش لنینی را به وضوح تمام با اثبات رساند. تجربه دهها انقلاب - از جمله انقلاب بهمن در کشور ما - نشان داد که:

"بخش های وسیعتری از مردم - دهقانان، زحمتکشان شهرها، خرده بورژوازی، روشنفکران خلقی، به مبارزه طبقاتی فعالی می پیوندند... و پیش از پیش برای همبستگی حیاتی و وحدت عمل با طبقه کارگر آگاهی می یابند. (در حالیکه... بورژوازی ملی پیش از پیش متمایل به سازش بسا ارتجاع داخلی و امپریالیسم می شود." (۱۰)

باین ترتیب مین لنینی در برخورد با انقلاب دمکراتیک: اولاً - بر ضرورت تأمین سرکردگی طبقه کارگر بر اساس اتحاد با دهقانان برای به پایان بردن موفقیت آمیز دگرگونی های دمکراتیک، و گذار به سویالیسم و بر انفرادی بورژوازی بمثابه یک طبقه در انقلاب دمکراتیک استوار است.

ثانیاً - بر پیوستگی منطقی انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی بمثابه دومرحله از روند انقلابی و اجتمکتی است.

سازبرد این متد در هدایت عملی - سیاسی کارگران و دهقانان و خلقهای کمر خشان در پی کارشان علیه امپریالیسم و ارتجاع، بگونه ای که به تأمین رهبری طبقه کارگر در انقلاب و پیچ سوسیالیستی زحمتکشان در راه دستیابی به سویالیسم بیانجامد دارای اهمیت حیاتی است.

خلاصه ملی و دمکراتیک انقلاب ایران

اکنون لازم است به طرح استراتژی و تاکتیک سازمان در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بازگردیم و نشان دهیم که چگونه تلاش شده است که اصول

پیش گفته، بر پایه شناخت تاریخی - مشخص از جامعه، بطرز صحیح - بر صورتی خاصیت مشخصی تطبیق داده شوند. مآده یگانه طرح، "فشرده ترین توصیف و از کیفیت تفا دکار و سرمایه و تضاد خلق و امپریالیسم در قیاس از انقلاب بهمن ۵۷، ارائه می دهد:

"بر اثر فروری های شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیوند ارگانیک با امپریالیسم جهانی بسرعت رشد کرد و به مناسبات غالب در کشور ما تبدیل گشت. در این روند تفا دکار و سرمایه به تفا داملی جامعه تبدیل شد و تفا دخلق و امپریالیسم تشدید گردید."

مسلم است که صورت بندی اجتماعی - اقتصادی غالب در جامعه ما هم چنان سرمایه داری است و تفا د اساسی جامعه نیز همین پایه هم چنان تفا د کار و سرمایه است. اما در باره تفا د خلق و امپریالیسم باید به گونه ای دیگر صحبت کرد. سند مصوب پلنوم فروردین ۵۷ تحت عنوان "درباره سیاست و برنامه سازمان در سال ۵۷ تا ۶۱" و نیز "طرح استراتژی و تاکتیک" روی براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم "به مثابه دستاورد بزرگ انقلاب بهمن تأکید می کنند. اما خطای بزرگ آنست که تصور شود در اثر انقلاب بهمن و "جبهه ملی" یا "فدا امپریالیستی" انقلاب ایران منتفی است و تفا د خلق ایران بسا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا حل شده است. مواضع امپریالیسم در اقتصاد سرمایه داری ایران بسا ر بنبروند است. بورژوازی ملی هم منافع خود را، علیرغم برخی شرط و شروط، اساساً در حفظ وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم و شراکت در سیستم جهانی سرمایه داری جستجو می کند و هم الزاماً و حتی علیرغم برخی تفا دها، به هنگام نضج و در روند جدجش انقلابی و تعرض طبقات جامعه علیه طبقات بهره کش، در مبارزه سیاسی پیش از پیش خود را تحت حمایت اردوگاه امپریالیسم قرار می دهد و از نظر اجتماعی نیز به پایگاه امپریالیسم در کشور بدل میشود.

از سوی دیگر تردید نباید داشت که امپریالیسم جهانی برای حفظ و تحکیم مواضع خود در کشور ما با تمام نیروی اهریمنی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، با استفاده از تمام عوامل داخلی و خارجی، به طریق گوناگون به اعمال فشار علیه استقلال کشور و جدجش انقلابی خلق ما روی می آورد.

تجربه انقلاب بهمن و نیز آنچه که امروز دولت ریگان آنرا "درگیری های منطقه ای" می نامد (در آن تگول، بنیکاراگوئه، افغانستان، کامبوج... بگونه های زنده بیان نگار است) حکم بندهای که امپریالیسم جهانی را در زمینه عمده ترین دشمنان مردم ایران قرار می دهد: دارای خلاصت عینی و واقعی است و هر جدجش انقلابی و واقعی و هر انقلاب واقعی در همین مالزوما خلاصت "ملی" و نیز باین دیگر "فدا امپریالیستی" "خواهد داشت.

در عصر ما که هر روند انقلابی در شراع بنبردهای میان امپریالیسم و سویالیسم قرار دارد، در دورانی که تولید سرمایه داری تا این حد جهانی شده است و سویالیسم نیز بمثابه یک نظم جهانی در عرصه مناسبات بین المللی قدر با فراشته است، مبارزه رها بی بخش ملی (فدا امپریالیستی)

لزوما با روندهای اجتماعی بیش از پیش پیوند یافته است. این پیوند میان مبارزه فدا امپریالیستی با مبارزه در راه رهایی اجتماعی در عرصه بیگانه در راه وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم بنبرجلی می یابد. باید توجه داشت که وابستگی اقتصادی با نظم سرمایه داری در کشور ما در پیوند لاینفکی قرار دارد. از اینرو مبارزه در راه قطع وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، لزوماً با بیگانه در راه حاکم داری و تحسولات بنیادین اجتماعی و اقتصادی بسود زحمتکشان و در راستای سویالیسم همسراه می باشد. شواقتاً در همین عرصه و پیش از همه، از همین جنبه است که بورژوازی تا توانی و ملتی بودن خود را در انجام وظایف انقلاب ملی - دمکراتیک بسه اثبات می راند. طرح استراتژی و تاکتیک سازمان میگوید: "حفظ وابستگی اقتصاد کشور و سیاست نزدیکی به امپریالیسم " از جهات اساسی سیاست رژیم جمهوری اسلامی است. حفظ وابستگی اقتصادی و سیاست نزدیکی به امپریالیسم دستاوردهای استقلال طلبانه انقلاب بهمن را زایل و راه احیای مواضع از دست رفته امپریالیسم راهوار می کند. باین ترتیب تا آنجا که به مضمون اجتماعی - اقتصادی مربوط است، وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم همچنان از اهداف محوری انقلاب ملی می باشد. و از ه ملی در طرح استراتژی و تاکتیک سازمان، بیاتنگریا که است که مبارزه فدا امپریالیستی و انجام کامل وظایف فدا امپریالیستی در انقلاب مردم کاماگان داراست، اگرچه برافتادن سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم به مبارزه فدا امپریالیستی در کشور محتوی اجتماعی و طبقاتی عربانتری بخشیده است و پیش از پیش بورژوازی حاکم را در برابر خواستهای اجتماعی و عدالت خواهان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار خواهان عدالت اجتماعی قرار داده است، اما هیچ وجه نافی آن نیست و "طرح نیز به همین اعتبار، با توجه به روند ما" دستاوردهای استقلال طلبانه انقلاب بهمن، بر خلاصت ملی انقلاب نقطه تأکید کرده است.

و اما چرا ایران هنوز در مرحله انقلاب دمکراتیک قرار دارد، چرا انقلاب ما دمکراتیک است و سویالیستی نیست؟ در بحثی که گذشت روی خلاصت ملی انقلاب ایران مکتب شد، اکنون باید با طرفین آن کرد که چگونه خلاصت ملی خود خلاصت دمکراتیک است، اما خلاصت دمکراتیک انقلاب صرفاً قائم به خلاصت ملی آن نیست. به همین دلیل در تعیین مرحله انقلاب در سندهای مورد اشاره عامل "سطح تکامل جامعه، خلاصت تفا دها و آرایش نیروهای طبقاتی آن" باید شده است.

در این رابطه لازمست توضیح داده شود که:

اولاً: سطح تکامل جامعه، به مثابه شرط عمده از کیفیت از این نظر در تعیین مرحله انقلاب نقش ایفا می کند که در آرایش تحلیل، همین عامل تعیین می کند که کدامین تحولات در زیربنای اقتصادی - اجتماعی یک تحول انقلابی است. در جامعه سرمایه داری پیشرفته، جایی که مناسبات سرمایه داری در سطح سرمایه داری انحصاری دولتی گسترش یافته است، در جامعه ای که به دو طبقه نیروی کار و سرمایه تقسیم شده است تنها یک تحول انقلابی در مناسبات طبقاتی شناخته است: آزاد کردن نیروی کار از قید سرمایه. آشکار است که این "تحول انقلابی" یک تحول سوسیالیستی است، اما در جوامعی که تکامل اجتماعی هنوز در جنبه سطحی نیست، از جمله در شرایطی که اشکال مختلف مناسبات تولید ما قبل سرمایه داری، در جامعه وجود دارد، زمانی که تولید خرد کالایی بخش عمده ای از نیروهای مولده را بنبرند است و در شرایطی که علیرغم پیدایی گرایشات انحصاری، هنوز این گرایشات بخش عمده نیروهای مولده را بکار نگرفته است. انجام اطلاعات راضی و دمکراتیک و محو بقای با ساختارهای ما قبل سرمایه داری، جمعی کردن تولید خرد و براندازی کلان سرمایه داری "تحولات انقلابی" بشمار می روند که خلاصت دمکراتیک دارند و هنوز هیچکدام لزوماً به معنی براندازی سرمایه و تحول سوسیالیستی جامعه نمی باشند.

ثانیاً: وقتی گفته می شود نظریه سطح تکامل جامعه ما، انقلاب ایران در مرحله دمکراتیک و نه سویالیستی قرار دارد این بهیح وجه به این معنا نیست که نظریه سطح تکامل جامعه، برای ما هنوز امکان گذر به سویالیسم فراهم نشده است و بدین منظور می باید به عالیت ترین سطح تکامل سرمایه داری دست یافت.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر، لنین در مورد حتی کشورهای نارشد یافته خاور نیز خاطرنشان می کرد که امکان گذر به سویالیسم برای آنان بدینند آمده است.

تجربه تاریخی صحت این ارزیابی را با قاطعیت با اثبات رساند. تجربه نشان داد که خلق ما ملزم نیستند برای گذر به سویالیسم تمام مراحل سرمایه داری دورانی بپوشانند. بر اساس همین جمع بندی تجربه تاریخی است که در خلاصت بندی دوران ما از جمله تا کیدی می شود "عمر کنونی، عصر گذار جهانی به سویالیسم و کمونیزم است." (۱۱) کمی که مشخصاً تأکید می کند که امکان گذر به سویالیسم در مقیاس همه کشورهای جهان، قطع نظر از سطح تکامل اجتماعی آنها پدید آمده است. تجربه نشان داده است در جوامعی که هنوز از نظر سطح تکامل اجتماعی در مرحله ما قبل سرمایه داری قرار داشته اند نیز گذر به سویالیسم مستحق یافته است. همین تجربه اکنون در چندین کشور دیگر در حال گسترش است. در برخی از دیگر کشورها که قبل از انقلاب در مرحله سرمایه داری با رشدی بین و متوسط قرار داشته اند نیز اکنون انقلاب سویالیستی تحقق یافته است.

بدین ترتیب تجربه نشان میدهد که اگرچه سطح تکامل جامعه یکی از عوامل مشخص کننده مضمون و وظایف دمکراتیک یا سویالیستی انقلاب است اما بهیح وجه نباید تصور کرد که با ستنا سطح پایین تکامل اجتماعی - اقتصادی میتوان امکان گذار به سویالیسم را نفی کرد. نفی این امکان، بمعنی نادیده گرفتن عواملی است که لنین تحت عنوان نضج تفا دها، نقش برولتاریا و مشکل و سطح سویالیستی خلق، بر آنجا تأکید و بر زده است.

در طرح استراتژی و تاکتیک در توضیح مرحله انقلاب بهمن که دیدیم گفته شده است که انقلاب ایران از جمله "به جهت خلاصت تفا دها" در مرحله ملی و دمکراتیک قرار دارد. نخست باید بدیده که مقصود از این عبارت چیست؟ در بند ۵ قطنه ما "عمده ترین وظایف انقلاب ملی و دمکراتیک ایران" بر شمرده شده است. انجام این وظایف در واقع حل یک رشته تفا دها می است که هم اکنون هم در زیربنای و هم در روینا جامعه وجود دارد. انقلاب ایران، کما که در مرحله دمکراتیک قرار دارد، زیرا عمده ترین تفا دها می که حل آنها در دستور روز آن قرار دارد و خلاصت دمکراتیک دارند، این وظایف "سرخو د" تعیین شده اند و این وظایف بر پایه تحلیل عینی و مشخص اوضاع کشور، بر پایه تحلیل و شناخت حادثترین تفا دها می است که امروز در جامعه ما عمل می کند. در مورد وظایف انقلاب ایران، همانگونه که طرح می گوید، "تأمین دمکراسی سیاسی" و نیز "دمکراتیزه کردن حیات اجتماعی و اقتصادی کشور، قرار گرفته است.

انقلاب ملی و دمکراتیک ایران در دورانی گسترش می یابد که مضمون آن

در هراس از خیزش توده‌های مردم، با تمام نیروی مهابرجش انقلابی خلسی کمین نشسته و کمر بسته اند، با امپریالیسم و ارتجاع به بندوبست و بازسازی می‌بخشند و سرانجام به خیانت آشکارا می‌انقلاب مردم دست می‌زنند.

تاریخ همچنین گواهی می‌دهد که تاریخ ویرانی و خرابی انقلاب اکثریت بر جنبش انقلابی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سبیل نیستی کشیده که مظلومان خلق ما در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده است. تاریخ گواهی می‌دهد که چه در مقیاس رهبری جنبش ملی - دمکراتیک مردم ایران و چه در مقیاس شخصیت‌ها و احزاب شرکت‌کننده در آن، به‌تاسف افزایش یک‌دیگر کمونیزم ستیزی و شوروی ستیزی، راه‌خیزش و شکست تسلیم و استعجال به ارتجاع پیوسته‌اند.

ایست آموزش تاریخ بطور مشخص و مجسم! روشن است که در ترکیب چنین تا بلوی تاریخ معاصر کشور ما تنها می‌خواهی با این نتیجه را بگیریم که برایتیک تاریخی اقل روایات جامعه ما، در کلی ترین چهره آن، مویسد آن قانونمندانه بیست که در "طرح متدیك مساله" برشودیم. این البته یک شناخت تاریخی مشخص است که در اشیاء حکم زیرین "طرح استراتژی و تاکتیک..." می‌توان و باید به آن استناد جست.

"...نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک ایران عبارتند از طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر انقلابی ترین طبقه و پیشروترین طبقه نیروی اصلی انقلاب است. لایه‌های پایینی بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دمکراتیک دینفع‌اند، اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب و انفراد بورژوازی لیبرال و خنثی کردن تا پیگیری سایر نیروهای بورژوازی برای انجام تحول انقلابی جامعه ضروری است.

بدیهی است که جامعه ما طی ۵۰ سال که از انقلاب مشروطیت می‌گذرد، در بسیاری جنبه‌ها با تغییرات بنیادین روبه‌رو بوده است. جهان نیز تغییرات شگرفی را طی این مدت پشت سر نهاده و بسیاری آن دگرگون شده است. معنی این تغییرات چیست؟ در یک نگاه تاریخی، این تغییرات معنی آنند که همسبب در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین‌المللی تناسب قوای طبقاتی و "درهم آمیختگی عناصر گذشته و آینده" بسودا هدف دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر ایران دستخوش تغییرات جدی شده‌اند. نگاه تاریخی هر چند استوار و نافذ است، اما بهر حال نگاه‌ها را از دور و پرازما به روشن است. نگاه‌ها از نزدیک برای مشاهده شفافتر و دقیق‌تر بریده‌ها ضرورت دارد.

غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در کشور گرایش‌های ارتجاعی در بورژوازی ملی ایران را تحکیم کرد. دست‌یابی بخش‌های بزرگی از بورژوازی ملی ایران به قدرت سیاسی این گرایش‌های ارتجاعی را که عمیقاً آمیخته به سنن و اعتقادات مذهبی، کمونیزم ستیزی و شوروی ستیزی است در لایه‌های عمیق‌تری از آن تحکیم بخشیده است.

البته جهان واقعیت همیشه رنگین ترویج‌دهنده تر از نشانی‌های ما است. گزارش‌های سیاسی به پلنوم فروردین ۱۳۴۵ با اشاره به مواضع نیروهای سیاسی و افتخار و طریقت مختلف جامعه تا کمیت می‌کند که لایه‌هایی از بورژوازی ملی ایران با ادامه جنگ، با استبداد مذهبی و با حاکمیت انحطاط روحانی مخالفند. خواست قطع جنگ، لغو ولایت فقیه و تأمین آزادی‌های بورژوازی هم اکنون از جانب بسیاری عناصر، محال و جریب‌ناهی بورژوازی ملی ممانعت مطرح می‌شود. طبقه کارگر نیز در تحقق این خواست‌ها دینفع است.

طرح استراتژی و تاکتیک می‌کند که "لایه‌های پایینی بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دمکراتیک دینفع‌اند اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند." هم تجربه انقلابی هم واقعیت‌ها امروز دستی این حکم را بر روشنی‌اش ثابت می‌کنند. در انقلاب بی‌پنجهن عملاً دیدیم بخش‌هایی از بورژوازی در انقلاب شرکت کرد. اما نه برای "تحول انقلابی" جامعه ما، آنجا که خواست حصول انقلابی "جامعه مطرح می‌شدند تنها هیچ یک از جریب‌ناهی بورژوازی در دینفع از آن حضور نداشته بلکه به درجا ت مختلف بیم و هراس و مخالفت و کینه خود را نسبت به آن به نمایش گذاشتند.

طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ آن در راستای تحقق اهداف خود می‌توانند در موارد معین و پیرامون خواست و مطالبات مشخص بالایه‌هایی از بورژوازی ملی که مخالف جنگ و رژیم ولایت فقیه هستند وارد انقلاب شوند. حضور رهبری پرولتری در این است که در حین بهره‌گیری شیوارانه از ظرفیت خود لایه‌های مذکور و تضاد آنان با رژیم حاکم تدابیر لازم را برای جلوگیری از کشیده شدن توده‌های خلق بسوی پذیرش رهبری این جریب‌ناهی بکار گیرد.

در واقعیت امروز مفروضات نیروهای خلقی نیکو - سده ر برگیرنده نیروهای محرکه... انقضا... در راه برداشتن تحولات اجتماعی در هر کشور، دستخوش تغییرات جدی شده است. بهمان نسبتی که سرمایه‌داری در سطح روستاهای کشاورزها، کشاورزها، کوشده، تجزیه - طبقه‌بندی در میان دهقانان نیز عمق و گسترده‌تری پیدا کرده و منجر به افزایش مالکیت‌های کوچک و متوسط زمین، فزونی شمار کارگران کشاورزی و خانه‌خوابی دهها هزار روستا ردهقانان شده است. استعمار سرمایه‌داری در کنار اشکال بهره‌کشی ما قبل سرمایه‌داری از دهقانان و زمینداران و زمینداران روستا، بر شدت استعمار و آوارگی آنان، به‌مثابه توده دهقانان کشور افزوده و پیش از پیش این نیروی اجتماعی را مستعداً تحاد با طبقه کارگر ساخته است.

رشد سرمایه‌داری در کشور در افزایش جمعیت و ترکیب اجتماعی و اقشار شهری نیز دگرگون‌های جدی پیدا آورد. میلیونها دهقان و پیشه‌ور و روشنفکر و بی‌خانمان تاکنون زاغه‌ها و حلبی‌آبادهای حاشیه شهرهای بزرگ هستند. شمار قابل توجهی از اینان به صفوف طبقه کارگر پیوسته و ساختار درونی طبقه کارگر ایران را دستخوش تغییراتی ساخته‌اند.

کسبه و پیشه‌وران که بخش بزرگی دیگری از خرده بورژوازی شهری را تشکیل می‌دهند، پس از انقلاب بی‌پنجهن با لایه‌های پستی‌های جدید روبه‌رو شدند که می‌بایست مورد بربرسی قرار گیرد. در میان این نیروی اجتماعی بزرگ نیز طبقه کارگر با متحدینی روبه‌روست که قادرند در اتحاد عمل با او در راه تحقق اهداف ملی و دمکراتیک انقلاب بزرگ، قرار گیرند. انقلاب بزرگ، توده بزرگ روشنفکران و کارمندان که از الزامات رشد سرمایه‌داری است، در شمار توده مردم قرار دارند. این توده بزرگ علیرغم گرایش‌های طبقاتی متضاد، در اکثریت خود، نیروی اجتماعی متحد طبقه کارگر حساب می‌آید و بی‌ویژه باید تأکید کرد که در میان جوانان متعلق به این گروه بندی اجتماعی، گرایش به پذیرش افکار ترقیخواهانه و پیشرو، از جمله آرمان‌های بخش طبقه کارگر، گرایش بالنده و رو به گسترش است.

ما به این اقشار و طبقات به‌مثابه متحدین طبقه کارگر در انقلاب ملی دمکراتیک می‌نگریم و معتقدیم این نیروها استعداد آنها دارند که در

گذار جهانی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و کمونیزم است. از نقطه نظر سرمایه‌داری ایران در جامعه‌ای کسترش می‌یابد که تقاضای سرمایه به تضاد اصلی است. این عوامل خلعت دمکراتیک انقلاب ایران را عمیقاً تحت تأثیر گرفته و آنرا با انواع انقلابی بورژوازی - دمکراتیک متمایز می‌سازد. جنبش انقلابی عموماً و طبقه محو سلطه استعمار، شکست حاکمیت اقتصادی و سیاسی سلطه فتوادی و با زکردن راه رشد بورژوازی را قرار می‌دهد. می‌داند. به همین دلیل از نظر مضمون اجتماعی - اقتصادی انقلابی بورژوازی و از نظر جهات اصلی حرکت انقلابی، خدایستعماری و ضد فتوادی است. حساب می‌آید. اما نظریه محتوای دوران ما و سطح تکامل اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با اطمینان باید گفت که انقلاب کنونی ایران از نظر مضمون اجتماعی - اقتصادی و از نظر جهات اصلی حرکت، با انقلاب مشروطیت و سایر انقلابات مشابه (چین، مکزیک، هندو...) اساساً متمایز است. ملی بودن انقلاب ایران نشانه آنست که این انقلاب باید حاکمیت سیاسی را از استعمار و امپریالیسم بازستاند و نه آنست که این انقلاب باید راه را برانداختن بورژوازی هموار سازد. انقلاب ایران می‌باید برچهران عینی نقطه پایان گذارد که "ریشه آن اساساً در نظام سرمایه‌داری و وابستگی آن به امپریالیسم نهفته است." طرح تاکیدی می‌کند که برای برورنی از برچهران "جامعه ما در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی و دمکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است." "طرح" بطور مشخص روی عبارت "در راستای سوسیالیسم" تأکید کرده است. این بدان معناست که در روند کنونی انقلاب ملی و دمکراتیک ایران لزوماً گرایش فدرما به‌داری کسترش می‌یابد، راه تکامل نظام سرمایه‌داری می‌گردد و جامعه در راستای گذر به سوسیالیسم تحول می‌پذیرد. در اینجا نیز تحلیل مشخص از ریشه بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با این حکم عام لیبینی پیوند خورده و مبین‌تر گشته است که در دوران ماروندرهای ملی لزوماً و بطور مشخص با روندهای اجتماعی گره می‌خورد.

از سوی دیگر نیک بیاید که به‌پدای و گسترش گرایش فدرما به‌داری در انقلاب ملی - دمکراتیک ایران لزوماً مبارزه ضد امپریالیستی را از دامنش

و عقب و جدت بیشتر برخورداری می‌سازد. در همین مرحله انقلاب باید لزوماً علاوه بر سطح تکامل اجتماعی و خلعت سحادهای جامعه روی آرایش نیروهای طبقاتی نیز تأکید کرد. منظور از این آرایش، توازن نیروهای سیاسی و اجتماعی است که در مبارزه طبقاتی در شرایط حاضر کسترش می‌یابد. نا دیده گرفتن این عامل، بمعنی نفی متداولی لیبینی تعیین مرحله انقلاب است که او تحت عنوان فسخ تفاهای طبقاتی، نقش پرولتاریا را متشکل و بسیج سوسیالیستی خلق بر آن تأکید ورزیده است. لیبینی در پاسخ به کسانیکه به او انتقاد می‌کردند که چرا انقلاب را دمکراتیک

ارزیابی می‌کند و سوسیالیستی نوبت: "... توده‌های مردم که دارای تمایلات دمکراتیک هستند، هنوز از سوسیالیسم خیلی دورند. هنوز تفاهای طبقاتی نخج نکرده‌اند و هنوز پرولتاریا را مشکل ندانند است. عملی کردن این شکل و بسط این فرهنگ سوسیالیستی

مسطوط به اجرای هرچه کاملتر از اصلاحات دمکراتیک" (دو تاکتیک). تجربه نشان داده است که عامل کلیدی در آرایش نیروهای طبقاتی ما، سطح تکامل و آگاهی و فعالیت مستقل طبقه کارگر و میزان بسیج سوسیالیستی زمینداران است که در ارتباط با این طبقه‌های سیاسی شکل می‌گیرند. حقیقتاً کذا سوسیالیستی جامعه‌ا مکان به واقعیت با نگاه تجربه انقلاب اکثریت و دیگر انقلابات سوسیالیستی جهان، بطور مستقیم با شکل و آگاهی پرولتاریا و بسیج سوسیالیستی خلق که در نتیجه حربه بیستاشکند در جامعه است که می‌باید در پیوند است. برهان قاطع برای اثبات این واقعیت که تحولات در لحظه تاریخی کنونی، در کشور ما دارای ماهیت سوسیالیستی نیست، سطح نازل شکل و آگاهی طبقه کارگر و دیگر زمینداران کشور است.

در جامعه ما ایران در مقیاس با کشورهای مشابه سطح سازمان‌های سیاسی کارگر بسیار نازل است. طبقه کارگر ایران هنوز امکان آفرین یافته است که حتی سازمان‌های سندیکایی مستقل خود را برپا دارد. سطح شکل سیاسی طبقه کارگر نیز نازل است. گردانهای بیستاشکند طبقه کارگر ایران پیوندهایی سازمانی ضعیف و محدود با طبقه خود دارد. گذشته از این، همه معتقدین به سوسیالیسم علمی هنوز در یک سازمان واحد نیرومند متشکل نشده‌اند. تعامبات و برآیندهای تأثیر بار، جنبش کمونیستی و کارگری ایران را تضعیف کرده است. پایان سخن نیکه بر اهمیتی باقی میماند که مانع ما در پیوند آفرینانده یکپارچه و نه حق داریم آفرینانیم. روینای سیاسی کشور ما، مصادق عینی یکی از کم نظیرترین استثناهای سیر فقر آری است. ما با رژیم سیاسی مصادق کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی روبرو هستیم که نمونه منحصر بفرد استبداد مذهبی سه قرون وسطی و در جهان امروز و "نقطه ستیز عمده" در سراپای جامعه بحران زده امروز است. "تأمین دمکراسی سیاسی" اکنون یک نیاز عینی و میرم عموم خلق است.

موضع مطالبات افشا و روایات مختلف جامعه از یکسو با تفاهای درون جامعه رقم زده می‌شود و از سوی دیگر صف بندی و آرایش نیروهای طبقاتی مختلف را در عرصه بیکار طبقات معین می‌کنند و این هر دو متکی است به مرحله رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی جامعه ما. آری همه حقایق عینی، همه حقایق که خارج از ضمایل ذهنی و آرزوهای تلخ و شیرین این یا آن نیروی سیاسی رقم زده‌اند همه و همه حاکی از آنند که: انقلاب کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعت تفاهای و آرایش نیروهای طبقاتی کماکان در مرحله ملی و دمکراتیک قرار دارد.

اما از آنجه کنیم محاز نیستیم این نتیجه را بگیریم که انقلاب از آنجا که وظایف دمکراتیک را در دستور خود دارد، رنده دگرگونی بلااوسط سوسیالیستی را پس باید به بورژواها و سایرین تحریک کرد. به خرده بورژواهای دمکرات انقلابی واگذار شده بود. خیر ما با چنین نتیجه‌گیری سرمایه‌داری نیست. باید دیدی "طرح" به مبدلینینی تعیین مرحله انقلاب به شناخت آن نیروهای اجتماعی انجام می‌دهد است که می‌توانند وظایف انقلاب را به انجام رسانند. این نیروها کدامند؟ مبین ما از انقلاب مشروطیت تا انقلاب ۱۳۵۷، سیر تکامل تاریخی انقلاب ملی - دمکراتیک خود را نتوانسته است به پایان ببرد. انقلاب مشروطیت و سبخت ملی - دمکراتیک سالهای ۱۳۴۲-۴۳، معلوب سلطه غارتگران امپریالیسم، سرکوب ددمنشانه ارتجاع داخلی و نهایت بی‌تکلی بورژوا - لیبرالها گردید. دسا وردهای دمکراتیک و مردمی انقلاب بیپنجهن نیز "نه تنها کسترش نیافتد بلکه آماج سیر سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی عینی قرار گرفت". در تمام این طوفانهای سیاسی و اجتماعی، طبقه کارگر و اکثریت عظیم توده‌های دهها میلیون دهقانان، زمینداران و زمینداران، خرده بورژوازی و روشنفکران خلقی بیکارگرای ملی میدان ندادند. بخش‌های دمکرات بورژوازی ملی ایران نیز در حینه مبارزه حاضر بودند اما هرچه به‌دهه‌های نزدیکتری می‌نگریم از وسعت این بحس و عبق بیکارجویی آن کاسته می‌شود.

در تمام دوران تاریخ معاصر می‌توان، وقتی به صحنه مبارزات خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع دقیق می‌نگریم، بورژوا - لیبرال‌ها را می‌بینیم کسه

نیروی پرتوان جوانان را سازمان دهیم!

"ما حزب آینده سازیم و پیوند به نسل جوان
تعلق دارد که با اشتیاق و بساطت را از
نواوران پیروی میکند."

روزمخمینی برای جوانان کشور ما جز مرگ و نیستی و زندگی غمناک را بر ما نرساند. دیگر میسر است. میلیونها جوان کارگر، زحمتکش، دانشجویان، سوز از شما میخوردند خود محروم مانده اند. جمهوری اسلامی به جوانان تنهایی به مثابه گوشت دم تپ و بازاریبشود اهداف ارتجاعی و جناحی را نه خود میگرد و میگوید آنرا تحمیل و منسوخ کرده و به نسل "مکتبسی و دست آموز خرافاتی" سازد.

جنگ بزرگترین بلا جان جوانان میهن ماست جوانان قربانیان اصلی این جنگ ارتجاعی هستند. زندگی جوانان در خارج از جهنم جنگینزور و سباهی است. بر اثر سیاستهای ضد خلقی رژیم پهلوی از کودکان و نوجوانان - بویژه دختران - از هیچ گونه امکانات آموزشی برخوردار نیستند. بیش از نیمی از کودکان و نوجوانان را بر اثر هیچگاه وارد مدرسه نمیخوانند و تنها ۳۰٪ کودکان و نوجوانان موفق میشوند به دوره متوسطه راه یابند.

بیکاری مشکل بزرگ جوانان است. اکثر بیست قابل توجه بیکاران را جوانان تشکیل میدهند. بر اساس آمارهای خود رژیم در سال ۶۳، بیش از ۷۰٪ از ۴ میلیون بیکار روئیمه بیکار را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل میدهند.

روزمخمینی کودتای جوانان میهن ما بویژه دختران و زنان جوان را در غل و زنجیر قرون وسطایی اسپر سازد. فحشا، ازدواج وقت را حتی در میان دختران خردسال رواج میدهد. جوانان را در کج و خویا بسان محل کار و خانه بچرمیدجای بوی خود تقدیر و توهین و یورشهای وحشیانه قرار میدهند. جوانان از حق تفریح و معاشرت با یکدیگر منع شده اند. و از حق داشتن هرگونه تشکیلی محروم اند.

جوانان آزادخواه و مبارز با بیکاری و سرکوب و حشانه رژیم خمینی جوانان را در زندانهای پر شمار رژیم مملو از هزاران جوان مبارز است کسبه در سیاهچالهای قرون وسطایی شکنجههای فدا تسانی تحمل میکنند. خمینی جلادها هزار جوان را به جرم آزادخواهی به قتل رسانده است. تجربه جنس انقلابی کشور ما بویژه انقلاب بهمن، شرکت فعالانه، شجاعانه و سیاسی موشروچو نسلان در مبارزات توده ای و نقش عظیم آنان را در پیروزی تحولات انقلابی نشان داده است. اکنون نیز اتحاد با طبقه کارگر در راه پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بر زمین وظیفه بیش از حد است. این اقشار و طبقات با قاطعیت مبارزه کند و با اشتیاق از ترندها و پیشداریها نشان آنان را بسوی اهداف دمکراتیک و سوسیالیستی خود جلب کند. این اقشار و طبقات، فاقد استقلال هستند و بسته به اینکه بگدام سمت و آورند - بسوی بورژوازی یا بسوی طبقه کارگر، بسوی آینده یا بسوی گذشته - نقش و عملکرد متضاد، ارتجاعی یا انقلابی دمکراتیک ایفا می نمایند. تجربه تاریخی از جمله تجربه انقلاب بهمن می آموزد که به ضللت دوگانه این اقشار و طبقات باید توجه و دقت اکید مبذول گردد، لیکن ما نمی توانیم و نباید از خاطر ببریم که آنها بمناب توده، آماج بهره کشی، غارت و دشمنی لگام گسیخته امپریالیسم و طبقات ارتجاعی کشور کشورند.

وضع موجود، این توده دهها میلیون را در معرض غارت و چپاول امپریالیسم، استثمار و ستمگری سرمایه داری قرار داده است. حقوقی و آزادیهای دمکراتیک و خواستههای عدالت خواهانه دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی، با پمال اقلیت غارتگر جامعه، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و رژیم حامی آنان، رژیم جمهوری اسلامی است. آنچه که در ماده ۵ "طرح" تصریح شده است، یعنی:

"تأمین صلح، آزادی و حقوق دمکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شناسایی حق تعیین سرنوشت خلقها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و محسوس بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دیگر تیزه کردن حیات اجتماعی - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، اتخاذ سیاست خارجی مترقی، عمده ترین وظایف ملی و دمکراتیک ایران، شمار میروند که میباید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند.

خواست و منافع این اقشار و طبقات خلق را برپایه واقعیت عینی زندگی آنان با زبان می دهد. این وحدت منافع، شالوده، عینی برای تکوین وحدت اراده طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق است.

طبقه کارگر ایران با رشد سرمایه داری، به رشد کمی و کیفی بزرگی دست یافته است. طبقه کارگر انقلابی ترین طبقه و پیگیرترین نیروی اجتماعی در بیکار علیه ارتجاع و استبداد مذهبی، امپریالیسم و سرمایه داری است و باید متذکر بیکار این توده ها در راه صلح، دمکراسی، استقلال، عدالت و پیشرفت اجتماعی گردد. طبقه کارگر ایران می تواند و باید زیر درفش رهایی بخش خود این توده دهها میلیون را گرد آورده و بمناب رهبر انقلاب این توده ها، قد برافرازد و آنان را بسوی سوسیالیسم رهنمون گردد.

مقایسه انقلاب مشروطیت و انقلاب بهمن ۵۷، بروشنی موبد نقش و تاثیر قاطع بورژوازی و صف مغرط طبقه کارگر و تاثیر آن در انقلاب مشروطه و بیابان نقش تعیین کننده نیروی طبقه کارگر در انقلاب بهمن ۵۷ است. در انقلاب بهمن ما شاهد بودیم که علیرغم ضعف پیش طبقه کارگر ایران، خواستههای عدالت خواهانه کارگران تا چه پایه در شمارهای انقلاب را یافت.

آنچه در میهن ما میگذرد نیروی اعتراضی عظیمی را در میان جوانان متمرکز کرده است که بدون تردید منشاء تا ثیرات بسیار بزرگی در جنبش انقلابی میهن ما خواهد شد.

امروز جریانات ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم کار در میان جوانان را در مرکز توجه خود قرار داده اند. آنان تلاشهای گسترده ای را در جهت جذب جوانان بسوی اهداف و مقاصد خویش بکار گرفته اند و با بوزیسیون ارتجاعی رژیم خمینی با اتکاء به سیاستهای روبرو افزایش رژیم فقها در میان جوانان، با بهره گیری مکارانه از امکانات تبلیغی و فرهنگی خود و زیر پوششهای گوناگون، میکوشند جوانان را از راههای بسوی خود جلب کنند.

این واقعات، تشدید همه جا شبه فعالیت انقلابی در میان جوانان را بیش از پیش ضروری میسازد. بدون مناقشه با تبلیغات ضد انقلابی و انحرافی و جسندب جوانان بسوی ایده های ترقی خواهانه نمی توان این نیروی عظیم را در جهت گسترش و توانمندی جنبش انقلابی خلق هدایت نمود و سازمان داد. با توجه به این امر و بسوی توسعه کمیته مرکزی سازمان مبارزات با امپریالیسم و ارتجاع، و هواداران تا یکدیگر: "نیروی پرشکر، برزنده، برزجوشاداب جوانان با بسند خدمت اهداف انقلابی در آید. همه رقا میبایست به اهمیت کار در میان جوانان توجه نمایند و خلافتی تلاش کنند که نیروی بالنده و آینده ساز جوانان را در خدمت اهداف رهایی بخش طبقه کارگر ایران در آورند."

در این عرصه کارهای بسیاری در پیش است. قبیل از همه با بداین واقعات را مورد توجه قرار داد که فعالیت در میان جوانان از جمله مهمترین وظایف تشکیلات سازمان و هر عضو سازمان است. پیشبرد این وظیفه از طریق سازمان جوانان که کار اصلی در میان جوانان را عهده دار است بیچوجه تشکیلات سازمان را از بار مسئولیتی که در این باره بر عهده دارد رفسارغ نماید. بویژه در وضعیت فعلی و با توجه به دشواری کار سازمان جوانان، اهمیت جدی دارد که واحدهای سازمانی امروزی فعالیت در میان جوانان سازماندهی جوانان را مستقما دنبال کنند، مسائل جوانان، مشکلات و راههای کار در میان آنان را سازماندهی شگه های جوانان را در حوزه های سازمان مسورد بررسی قرار دهد و اقدامات لازم را به عمل آورند. هر کدام از فعالین سازمانی در محیط کار، محیط

خواهده و وفا میل و محل زندگی با نیروهای جوان در ارتباط هستند. این ارتباطات، امکانات بزرگی را فراهم میاورد که بهیچ وجه نباید دست کم گرفته شود. فعال کردن و گسترش دادن ارتباطات فزونی، از حلقه های مقدم گسترش فعالیت انقلابی در میان جوانان است.

یکی از مهمترین جنبه های گسترش فعالیت انقلابی در میان جوانان، تحکیم و تقویت سازمان جوانان پیشگام ایران است. بسنوم وسیع سازمان این امر را وظیفه میبرم. قدا نشان خلق دانسته و در پیام به اعضا، و هواداران تا یکدیگر ده است: "تقویت و تحکیم سازمان جوانان پیشگام این سازمان و سازماندهی جوانان هوادار سازمان و وظیفه ای است فوق العاده مهم و سرنوشت ساز که انجام آن به تلاش بیگیر همه ما بستگی میباید."

حلقه مهم دیگر جهت تقویت و تحکیم سازمان جوانان، رسانیدن نشریه "پیشگام" به جوانان است. نشریه "پیشگام" بعنوان یگانگه نشریه جوانان انقلابی که در کشور بخش میشود، وسیله موثر گسترش نفوذ سیاسی و کار سازمان در میان جوانان میهن ماست. فدائیان خلق باید کمکهای ممکن را برای بخش و توزیع هر چه گسترده تر "پیشگام" انجام دهند. تکثیر و بخش گسترده اعلامیه ها و تراکت های پیشگام در محافل دانشگاهی، مدارس و دیگر مراکز جوانان برای گسترش نقش و نفوذ پیشگام بویژه در جنبش دمکراتیک - تیک دانشجویی و دانش آموزی، نقش جدی و کلیدی دارد. تشکیلات سازمان مبارزات برای انجام این مقصود جوانان پیشگام را یاری دهد.

در شرایط فعلی مهمترین گام در تقویت سازمان جوانان پیشگام، کمک به سازماندهی جوانان فدایی و انجام مساعده های لازم جهت برقراری و تقویت پیوند شبکه جوانان با رهبری سازمان جوانان پیشگام ایران است. گروههای سازمانی باید با عمل نظارت و هدایت فعالیتهای سازمانی و سیاسی گروههای جوانان بویژه بصورت مراقبت و آموزشی سیاسی سازمانی آنان را بسایر کمکها و مشورتهای لازم نسبت به آنان، جوانان پیشگام را یاری کنند تا بتوانند مستقلا به نیروی خویس با بستند و شبکه های سازمانی و فعالیت انقلابی خویش را در میان جوانان کشور گسترش دهند و تحکیم کنند.

شاهدی نبود که مهندس بازرگان، این سرشناس ترین رهبر بورژوازی لیبرال ایران تا نفرت و هراسی پوشیده اعتراف کرد، "کلوی رژیم شاهنشاهی بپهلوی در جنگ کارگران ایران فشرده شد."

این ارزیابی از نقش و مقام طبقه کارگر ایران، که شرایط عینی جامعه، آنرا برانداخته نمایند بورژوازی لیبرال ایران تحمیل کرد، در پرتو رزم خستگی نا پذیر حزب بیشانگ آن میتواند و یابد با شعور و خود آگاهی طبقاتی کارگران عین گردد. توده های خلق را از کشیده شدن بدشال بورژوازی رها سازد و آنان را بسوی پیروزی قطعی و نهایی انقلاب ملی - دمکراتیک رهنمون گرداند.

آری مساله همچنین اینست: فرجام انقلاب منوط آنست که آیا طبقه کارگر نقش همدست بورژوازی را بازی خواهد کرد، همدستی که از لحاظ نیروی تعرض علیه حکومت مطلقه، توانا و ولی از لحاظ سیاسی نا توانست با اینکه نقش رهبر انقلاب توده ای را (و ا. لنین) توده ای دهد: "طرح" ملا می دهد:

- ۱- سازمان ما با تمام قوا در راه تأمین رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بمنابسه اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه میکند.
- ۲- ما از هدف سوسیالیستی خود که به عقب نمی گذاریم بلکه از سر راست ترین و بنیجنا ممکن ترین و کوتاه ترین قاصه به سوی آن راه می سپاریم. یعنی از طریق مبارزه برای استقرار حاکمیت انقلابی خلق.
- ۳- برپایی حاکمیت انقلابی خلق "البت" فقط یک وظیفه گذرنده و موقتی است. اما این از اهمیت اساسی آن نمی گاهد. وقتی سخن از انقلاب ملی و دمکراتیک مردم ایران است، هرگونه بی اعتنائی به این هدف، پیروزی انقلاب سوسیالیستی را بیشتر به تسویق خواهد انداخت.

فهرست منابع

- ۱- و. ای. لنین دوناکتیک ...
- ۲- و. ای. لنین درباره دیالکتیک و الکتیسم.
- ۳- اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونسیتی ۵۷-۶۰-۶۹
- ۴- و. ای. لنین دوناکتیک ...
- ۵- و. زاگلابین. نخستین انقلاب خلقی دوران امپریالیسم
- ۶- و. ای. لنین. مجموعه کامل آثار. جلد ۱۱
- ۷- ب. ای. کودال. مجموعه کامل آثار. جلد ۲۵
- ۸- و. ای. لنین. مجموعه کامل آثار. جلد ۲۱
- ۹- و. ای. لنین. دوناکتیک ...
- ۱۰- اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونسیتی
- ۱۱- بر نامه حزب کمونسیت اتحاد شوروی (ویرایش نویسنده)
- ۱۲- و. ای. لنین. دوناکتیک ...

مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم جنگ طلب حاکم را که در ماه ۲۶ کار" موردتأکید قرار گرفت، در سازماندهی مبارزه کارگران ایران ناسیونال علیه اخراج و جنگ، بطور مشخص بکارگرفتند. علاوه بر آن، کارگران پیشرو و فعالین کارگری باید با تلاش بی وقفه خود به توده کارگران ایران ناسیونال اطلاعینان دهند که کارگران همه و احدها در مبارزه شان علیه با زخیرید اخراج پشتیبان آنها هستند. بپسرا اخراج مسئله همه کارگران است. همچنین، فعالین پیشرو باید از هر طریق ممکن (اعلامیه، تراکت و...) حمایت کارگران واحدهای دیگر را نیز توده مردم زحمتکش را نسبت به مبارزات کارگران ایران ناسیونال جلب کنند.

باید به توده کارگران توضیح داد که با زخیرید چه عواقبی در بر دارد. باید برای آنها که هنوز در تردید هستند توضیح داد که باز خریدها، اخراج است، مبارزه با قدرت غرامت ناچیز با زخیرید منتهی نمیشود، زیرا با گزینی سرام آوارزاق، بزودی دستشان تهنی خواهد شد و آنها مجبور خواهند شد با طرفشار اقتصاد را به چینه باشند. فعالین کارگری باید از هر مکانی که برای فضای طرحهای توطئه گرانه رژیم و تشویق کارگران به مبارزه جمعی و متشکل فراهم می آید استفاده نمایند. آنها باید با استفاده از تجمع برای توده کارگران صحبت کنند و نگذارند خطر بزدالت و اخراج، فعالیت تبلیغی و سازمانگرا نه آنها را فلج کند. کارگران پیشرو و هسته های مخفی کارگری باید از همه امکانات لازم برای بسیج سازماندهی تحمن و اعتصاب در کارخانه و نیز مزاجه و تجمع در وزارت کار برای احقاق حق خود مبارزه کنند.

فعالین کارگری با این چشم انداز باید توده داشته باشند که در صورت با گذشتن اعتراضات در ایران ناسیونال سازماندهی آنها و چنانچه این حرکت بتواند در ارتباط با کارگران واحدهای همجوار تنظیم شده و همبستگی و حمایت آنها را برانگیزد، در آن صورت تبدیل تحمن در کارخانه به راهبندان جاده مخصوص و تجمع در آن، بعنوان یک تاکتیکی تعرضی برای احقاق حقوق خود، بهیچوجه متعسف نیست. در آن صورت چنانچه کارگران پیشرو شعارهای مبارزاتی خود را پیش از آنکه با سطح تجربه و حرکت توده ای کارگران پیش برند، یک پیروزی بزرگ نشانه برای کارگران ایران ناسیونال بلکه برای کل جنبش کارگری ما بدست خواهد آمد.

را انتخاب و تفکیک خواهد کرد. مدیریت با استفاده از کنونی کارگران نسبت به انتقال خود به سیاه و وارنش، تلاش کرد که کارگران بیشتری را مجبور به

اخراج ۸ هزار کارگر ایران ناسیونال

بپذیرش فرم با زخیرید نماید. با این ترتیب، به تدریج در حدود ۸ هزار کارگر را مجبور به برگردن فرم با زخیرید کردند. بیش از ۵ هزار کارگر با قیما نده علیه رژیم فشار مدیریت در اثر اخراج، مقاومت می کنند. مدیریت گفته است که تنها به ۱۷۰۰ نفر از کارگران زیره سال احتیاج دارد، بقیه باید اخراج شوند. کارگران بخش بی. ال. بی. حاضر به برگردن فرم نشده اند. کارگران بخش های دیگر، واکنش هسی اعتراضی مختلفی نشان میدهند. رژیم برای خاموش کردن اعتراضات محیط کارخانه را با نیروهای سرکوبگر، سپاه، گمبینه، بسیج و حراست پر کرده است. فدائیان خلق (اکثريت) در فضای سیاست با زخیرید جاری کارگران را چگونگی ایستادگی آنها اعلامیه ها و تراکتها بی در میان کارگران ایران ناسیونال و نیز در محلات و مناطق کارگری تهران بخش کردند که عنوان آن چنین بود: "متحد و یکجا رجه علیه توطئه رژیم برای با زخیرید، انتقال و اخراج کل کارگران، بی خیزید".

تجربه ایران ناسیونال یکبار دیگر نشان داد که کارگران تا زمانی که هنوز شکل منفي مستقل خود (اعراض منفي) را ندارند، قادر نیستند از حقوق منفي خود دفاع کنند. اعتناء هواداران سازمان کارگران پیشرو هسته ها و محافل مترقی کارگری باید این نکته مهم را در نظر داشته باشند که با توجه به اهمیت کارخانه ایران ناسیونال، در صورتیکه رژیم موفق شود توطئه با زخیرید را با موفقیت با اجرا در آورد، در سایر واحدهای صنعتی نیز همین سیاست را چه بسا با دست باز تر به اجرا در خواهد آورد. مدیران واحدهای صنعتی دیگر بویژه کارخانجات غرب تهران منتظر نتیجه کار ایران ناسیونالند. همینطور، چشم کارگران همه واحدهای که در وضعیت مشابه قرار دارند نیز کارگران واقع ایران ناسیونال است. تمام تلاش پیشروان کارگری باید متوجه این باشد که مانع عقب نشینی بیشتر ایران ناسیونال نشود. این امر برای کل جنبش کارگری جاری در مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم خمینی حائز اهمیت است. کارگران پیشرو باید همواره هموادی مربوط به

رژیم مردمی خمینی تمام فشارها را بر گردان اقتصاد و جنگ را بردوش کارگران و زحمتکشان کشور انداخته است. تهدید بحران و ادامه جنگ، بسیاری از کارخانجات را بحالت تعطیل و با نیمه تعطیل درآورده و طبق اعتراف خود مقامات رسته هائی مانند صنایع خودروسازی، نساجی، کارخانجات تولید وسایل خانگی و بخشی از واحدهای شیمیایی در آستانه تعطیل قرار گرفته اند. نه تنها کارگران روز مزد و بیمانی، نه تنها کارگران ساده و نیمه ماهر، بلکه حتی کارگران فنی و پرباقه صنایع نیز گروه گروه اخراج می شوند. رژیم در مدتهاست سیاست با زخیرید اجباری یا اخراج را وسیله اجراء در آورد.

با زرتوتین نمونه اعمال این سیاست، اخراج ۸ هزار کارگر از ناسیونال است که در مقابل همه حاضر به بررسی آن میپردازیم: کارخانه ایران ناسیونال (ایران خودرو) که ۱۳۵۰۰ کارگر را بمنتد دارد، در آستانه بحران ارزی رژیم، از اوائل امسال تولیدش مختل شد. نخستین اخراج وسیع کارگران در ۲۷ فروردین انجام گرفت. فزمن آن ۱۸۰۰ کارگر با استخفای اخراج شدند. مدیرانی که در کارخانه در یک سخنرانی برای کارگران در ۱۷ فروردین، ساله با زخیرید شدن اجباری کارگران را "داطلبانه" خواند. واکنش "از میان آن عده از کارگرانی که تمایل دارند در کارخانه بمانند، بخشی بعنوان پرسنل کارخانه جدا کرده و بقیه را به ارتش، صنایع دفاع و... میفرستیم." هفته بعد به تمام کارگران فرم تقاضای با زخیرید داده شد. بدنبال آن مدیریت مهلت را تا ۱۶ تیرماه تمدید نمود که تقاضای "با زخیرید و طلبانه" را برکنند. در تیرماه، رژیم از میان آن بخش از کارگرانی که در آستانه اخراج بودند ۷۰۰ نفر را با جبارانه و جبهه ای کرد. کارگران دیگر با وجود آنکه از این حرکت شدیداً ناراضی بودند، بهیچوجه اعتراضی نکردند و در آستانه شکل نشوند دست به سیگ تمام حجت مدیریت در مورد برگردن فرم با زخیرید تا ۱۶ تیرماه نیز کردن ننهادند. مدیریت کارخانه، اطلاعیه ای صادر کرد مبنی بر اینکه ۳۳۸۹ داطلب برای امروز بروردن از است: ۲۵۰۰ نفر برای انتقال به صنایع دفاع در شهر مختلف، ۸۰۰ نفر برای پشتیبانی ارتش و سپاه، ۲۸۹ نفر برای کار در قسمت ریخته گری. این اطلاعیه کارگران را تهدید کرده بود که چنانچه "داطلبانه" نشوند سرپرستان به تشخیص خود، کارگران مورد نیاز قرار به اجراء گذاشته شود. هر که در رفتن سلامتی از طریق زدن علامت با شتاب بیدار شود، فاصله دوری از محل قرار و با فاصله زمانی کمی قبل از قرار زده شود. علاوه بر علامت سلامتی، انتخاب محل مناسب، توجه مناسب برای اجراء فرار، چک کردن محل قرار از راه دور و اطمینان از نبودن پلیس در محل و با لور رفتن فرار و از لوازمات جدی و احتیاجی اجراء قرار است. جز در موارد خاص و استثنائی که قرارها با وسیله نقلیه انجام میگیرد، در موارد عادی و معمولی مطلقاً نباید با وسیله نقلیه شخصی، بویژه اتوموبیل شخصی به محل قرار رفت. در صورت عدم اجراء اولین قرار، با یستی برای سایر قرارها تدارک جدی تری دید و تنها در صورت اطمینان از سلامتی رفیق، با یستی قرار دیگر را اجراء کرد. در بسیاری موارد لازم است که قرارهای خاص با کنترل از راه دور توسط کوبل انجام شود.

روشن باشد. از مهم ترین نکات قابل ذکر اینست که مکان دسترسی و ارتباط گیری با واحدهای رهبری در داخل و خارج باید بنحوی تهیه و تمرین شود که هیچگاه ارتباط شبکه با رهبری و با واحد تحمت مسئولیت خود قطع نگردد. تهیه مکانات تلفنی ذخیره، تهیه واسط واسرپل های ذخیره، تعیین محل های مناسبی برای زدن علامت ارتباطی، قرارهای ذخیره و اشکال مختلف دیگر ارتباط، میثاق شدن اینها زراتاً مین کنند.

تمام کارهای مسئول باید برای روزهای اضطراری امکاناتی را جهت حفظ کوتاه مدت و تدارک ببینند. این امکانات باید توسط خود رفیق استفاده کننده سازمان داده شود. تجربه اشیا ت کرده است که در شت یک یا چند مکان سالم و ویژه برای روزهای اضطراری نقش مهمی در بقا دارد. در تشکیلات با یزی میکند. لازم است که رفقا به این تذکر مهم توجه داشته باشند که تهیه، حفظ و بکارگیری این امکانات باید بنحوی صورت گیرد که موجب مشکوک شدن پلیس و بار ردگیری آن نشود و یا به مکانالی برای وارد آمدن ضربه نگردد.

در زمینه ارتباطات با خارج بویژه در مسئله پیک ها، دقت بازم بیشتری لازم است. چه قبل از اعزام پیک به خارج، چه هنگام تماس گیری و چه هنگام مراجعت و مراحل بعدی، باید ضوابط دقیق کار مربوط به این عرصه را کاملاً رعایت کرد. رژیم مسافرین به خارج و بالعکس را در اکثر موارد تحت نظر و مراقبت و تحقیق و بررسی جدی قرار میدهد. در مواردی دیده شده که پلیس تلاش کرده است که از طریق ردگیری پیک ها، مسئولین شبکه و تشکیلات دسترسی پیدا کند. از این رو در استفاده از پیک ها باید به این مسئله توجه داشت که هرابطه بین پیک با مسئولین و کارهای حرفه ای باید کاملاً کفره و از طریق واسط واسرپل های مطمئن صورت گیرد.

در شرایط کنونی علاوه بر آنکه رژیم به کنترل شهرها از طریق افزایش کشت های شهری، با زوسی های بدنی، بستن کلوگاها، کنترل اتوبوس ها و غیره افزوده است، فرودگاها و ترمینالها و ایستگاها همی قطار را نیز کنترل بیشتری میکند. کنترل مرزها افزایش یافته است. انتقال مطالب ازین طریق باید به ایستگا ایستکارات و خلایق های جدیدی سازمان داده شوند. نمونه هائی از جاسازیهای گذشته توسط پلیس کشف گردیده اند. در امر جاسازی باید کوشید که حد اکثر نوآوری و خلایقیت بکار گرفته شود.

برای متوقف کردن سیل اخراج، علیه جنگ با زخیرید
کارگران مبارز!

خمینی برای ادامه جنگ، کارخانجات را تعطیل و کارگران را گروه اخراج میکند. با زخیرید و اخراج تهنه می دهد. به غرامت ناچیز با زخیرید دل نمیدهد. متحد و یکجا رجه در برابر این توطئه با یستی میکند. مقابل وزارت کار اجتماع کنند. کمیته های اعتصاب و تحمن در کارخانه ها سازمان دهند. با کارگران واحدهای دیگر ارتباط بگیرند و امتسار اخراج خود را هماهنگ کنند.

کارگران مبارز و ایستگاه!

از هرگونه کمک به جبهه امتساع کنید، به جبهه تروید. بسسرای متوقف کردن سیل اخراج، با یه جنگ را متوقف کنید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

بقیه از ضابطه
تجربه ایران ناسیونال یکبار دیگر نشان داد که کارگران تا زمانی که هنوز شکل منفي مستقل خود (اعراض منفي) را ندارند، قادر نیستند از حقوق منفي خود دفاع کنند. اعتناء هواداران سازمان کارگران پیشرو هسته ها و محافل مترقی کارگری باید این نکته مهم را در نظر داشته باشند که با توجه به اهمیت کارخانه ایران ناسیونال، در صورتیکه رژیم موفق شود توطئه با زخیرید را با موفقیت با اجرا در آورد، در سایر واحدهای صنعتی نیز همین سیاست را چه بسا با دست باز تر به اجرا در خواهد آورد. مدیران واحدهای صنعتی دیگر بویژه کارخانجات غرب تهران منتظر نتیجه کار ایران ناسیونالند. همینطور، چشم کارگران همه واحدهای که در وضعیت مشابه قرار دارند نیز کارگران واقع ایران ناسیونال است. تمام تلاش پیشروان کارگری باید متوجه این باشد که مانع عقب نشینی بیشتر ایران ناسیونال نشود. این امر برای کل جنبش کارگری جاری در مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم خمینی حائز اهمیت است. کارگران پیشرو باید همواره هموادی مربوط به

تلفن و سایر وسایل ارتباطی اهرم های مناسبی برای کار انقلابی اند، مشروط بر آنکه فواید استفاده از آنها در دقتاً رعایت شود. در غیر اینصورت استفاده از این وسایل می تواند ندره موثری برای ردگیری و مراقبت از انقلابیون و درهم شکستن تشکیلات توسط دشمن باشد.

تلفن های رابط بهیچوجه نباید تلفن محل کار و اسکان مسئولین و سایر کارها و امکانات مخفی سازمانی باشد.

زمان استفاده از تلفن باید تا حد امکان کوتاه باشد. (حد اکثر یک تا دو دقیقه)

حتماً مکالمات با ظاهری عادی و توجیه طبیعی (یعنی با کلمات و رمزهای قراردادی گرفته شده از کار روزندگی عادی روزمره) باشد.

تلفن های آزاد را به خارج عمدتاً توسط رژیم مستبد کنترل میشوند. رفقای حرفه ای جز در موارد استثنائی و قراردادی نباید خود مستقیماً به خارج تلفن کنند. این رفقا در موارد استثنائی باید از امکانی که احتمال ردگیری از آن امکانها منتفی است به خارج تلفن کنند، بهیچ صورت بهتر آنست که از طریق رابط اقدام نمایند.

توجه کنید که تلفن های رابط در خارج کشور با سایر ایستی برای پلیس لورفته فرض شوند و با توجه به این امر باید دقت تماس اقدام کرد.

در تماس بویژه تماس با خارج کشور با یستی متوجه ما پلیس در مسیر ارتباط بود و علامت قرار دادها را جدار رعایت کرد.

اکثر تشکیلات تا به تمام نامه های یستی به خارج کشور توسط رژیم خمینی کنترل میشوند مطلقاً نباید مطلقاً تشکیلاتی ورد را از طریق نامه رد و بدل کرد. جوهرهای نامرئی ساده از قبیل آلبوم و غیره برای پلیس شناخته شده است. پلیس احتمالاً با یستی در اختیار ردا در کدها و ظاهر کردن نامه از مطلق مطلع شود. از این رو مطلقاً نباید نام حتمی با جوهرهای نامرئی معمولی فرستاده شوند. بر او موالی آن است که مطلقاً ردا را بر مزموسا استفاده از جوهر نامرئی نوشته شوند.

ارتباطات و امکانات در مواقع اضطراری
حفظ ارتباطات و تنظیم سریع و حساب شده شارهک های تشکیلات انقلابی است. این امر بویژه هنگامی که پلیس منادرت به یورش به تشکیلات میکند نقش و اهمیت بیشتری پیدا میکند. برای جلوگیری از قطع ارتباطات و بار هر بخش مورد مواقع اضطراری، رفقای مسئول میبایست از قبل برای اینگونه لحظات طرح های مناسبی تهیه کرده و وظایف کارها و اعفای تحت مسئولیت خود را دقیقاً

کنکور در جنگ ارتجاع در خدمت جنگ

در کنکور امسال دانشکاهها بیش از ۵۸۰ هزار نفر شرکت داشتند که در برابرین خیل عظیم دا و طلبیین، کل ظرفیت پذیرش دانشکاهها ای کشور تنها ۴۴ هزار نفر بوده است لیکن رژیم خمینی همین امکان و شانس اندک ورود به دانشکاهها را نیز از انهمه جوانان شرکت کننده در کنکور گرفته است.

اختصاص بخت بزرگ ظرفیت پذیرش دانشکاهها به سهمیه های گوناگون مقرر شده از جانب رژیم، در عمل کمترین امید برای ۵۸۰ هزار دا و طلب و ورود به دانشکاهها نمی باشد. در برابر اودهها و دهها هزار جوان مستعد و باسواد مشتاق آموزش عالی، دانشکاههای کشور از زبانی و ابوابش و جاقوکش - زودور و جاسوسان سهمیه بندی های ارتجاع و نوجرمی های وابسته به رژیم و آنها بیگانه با عده قبولی در دانشکاه به جبهه های مرک رهسپار می شوند، آسان شده می شود. جرمیه های با اندک درتوق آن میزان از ظرفیت دانشکاهها نیز که برای قبول شدن در امتحانات ورودی (کنکور علمی) باقی میمانند، با سبزه زدن خواندگانشین عقابندگیهای و کزینش و ساواک رژیم بگذرد. در این قسمت نیز بسیاری از افراد لایق و مستحق ورود به دانشکاهها به بیگانه انواع آنها مات و غسارشی سیاسی و "کلیتی" اجازه ورود به دانشکاهها را نمی یابند. ملاحظاتی پذیرفته شدن عملا و به طایر خود سوزان رژیم امری ناشی و محسوب می شود. رژیم چهل و چندیست با این ترتیب مغرب سترین و بزرگترین ضربه را به آموزش عالی کشور وارد می آورد. تا نبرات نزول فاحش سطحو دیدیرفته شدن سالهای گذشته در حیات آموزشی دانشکاهها، به روشن ترین وجهی گویای این حقیقت تلخ است که کیفیت علمی دانشکاهها با درستی بی سابقه سقوط می کند.

دانشکاهها در رژیم خمینی از هر جهت صحنه تاخت و تاز ارتجاع گردیده اند اما حیانتا رترو فوجی تر از همه آنهاست که خمینی دانشکاهها را به طعمه و وسیله نیکار جوانان برای اعزام به جبهه های جنگی بازگشت مبدل ساخته است. برای کنکور امسال اعلام کرده اند که سبترین شانس قبولی متعلق به "زمنندگان" است. انواع امتحانات و نوع سهمیه متفاوت برای کسانی که حاضرند در دراه رژیم جنگی در نظر گرفته شده است.

سهمیه های گوناگونی که رژیم از ظرفیت محدود پذیرش دانشکاهها به خود اختصاص داده است و معیارهای ارتجاعی کنکور و تقنین عقابدا کم بر کزینش دانشجو، طلی سالهای گذشته موضوع حدی اعتراض و مبارزه صدها هزار دا و طلب و ورود به دانشکاهها است. آنجا و آنجا سنجویان و دانش آموزان کشور بوده است. بنسک سدیل کنکوره امری برای کشاندن جوانان به جبهه های مرگ نیز موجب نفرت و اعتراض آنان و همه مردم کمور می شد.

حمایت اتحاد شوروی از اوپک

سدنال توافق کشورهای عمو اوپک در سیدهم بردارنده گذشته، مبنی بر کاهش روزانه ۴ میلیون بشکه نفت، اتحاد شوروی اعلام کرد که طی ماههای سینامبر و اکتبر، صادرات نفت خود به اروپای غربی را روزانه ۵۰ هزار بشکه کاهش میدهد.

اندام اخیر اتحاد شوروی در پشتیبانی از تصمیم اوپک و متالفه آن با سولنه امیرالیستی کاخ قیسمتیای نفت صورت گرفته است. توافقنامه اوپک و حمایت اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای غیر عضو اوپک مثل جمهوری خلق چین از طریق کاهش صادرات نفت خود موجب شده است که روند تنایان سقوط قیمتیای موثقت شود. ماه گذشته قیمت هر بشکه نفت پس از مدتها به حدود ۴۰ دلار افزایش یافت. در پی این تحولات دولت روز سیر که همراه با انگلستان با کاهش قیمت های نفت شمال عملا موحمات بحران اخیر نسیمیای نفت را بسود انحصارات نفتی فراهم آوردند - صادرات نفتی خود را به مقدار ۵۰ درصد تقلیل داد. این تصمیمات با عمت ناراضی و خشم شدید دولتیهای آمریکا و انگلستان شده است. آمریکا و انگلستان که کامکان سیاست امیرالیستی کاخ قیسمتیای را، که هدفش غارت نفت کشورهای نفت خیز جهان با بهایی نازل و ناچیز است، دنبال میکنند. دولتیهای آمریکا و انگلستان و سایر کشورهای امیرالیستی بنا به خواست کمیانیهای عظیم نفتی با اعمال فشارها و کوناکون سیاسی و اقتصادی و توطئه و کار تکنی و ایجنسادهای نقای بویزه در اوپک میگویند، موققیتهای اخیر کشورهای اوپک و سایر کشورهای نفت خیز را بسی اثر کرده و باعث برتنی قیسمتیای شوند. در چنین شرایطی، تصمیم اتحاد شوروی منعی بر کاهش صادرات نفت خود به اروپای غربی، اهمیت بزرگی دارد و نشانه دیگری از حمایت و دفاع آن از منافع مردم کشورهای در حال رشد در برابر غارت انحصارات امیرالیستی است.

دفاع از صلح ...

کنفرانس نشان داد که "تهاجم صلح" تحساد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیست در تمام قاره ها و در بین تمام نیروهای صلح دوست ریشه شده است. تقویت مواضع صلح طلبانه جنبش غیر سربسته ها، یک پیروزی برای نیروهای صلح دوست و یک شکست برای نیروهای جنگ طلب بود.

در سخنرانی سران کنفرانس در گردهمایی باره به مسئله افریقایی جنوبی، که تجاوز آمریکا به لیبی و نیگاراگوئه و برقراری نظام اقتصادی نوین در سطح جهانی و به سایر مسائل حاد جهانی برپا داشته شد. فیدل کاسترو گفت نیگاراگوئه حق دارد در برابر تجاوز آمریکا از خود دفاع کند. وی از پیشنهاد نیگاراگوئه برای برگزاری نهمین اجلاس سران غیر متعهد در سال ۱۹۹۹ در ماناگوا اعلام پشتیبانی کرد. کاسترو در رابطه با بدهی های کشورهای در حال رشد، گفت که صندوق بین المللی پول به "ژاندارم مالی" امیرالیسم تبدیل شده است. متکیستوها یل ماریمار رهبر استوپی سیاست کنفرانس غربی نسبت به افریقایی جنوبی را در خدمت ادامه حیات نژادپرستی خواند. وی گفت مبارزه میهن پرستان افریقایی جنوبی، به نقطه ای رسیده است که دیگر بازگشت از آن ممکن نیست.

رابرت مویگا به در آخرین کنفرانس مطبوعاتی لیستی از اقدامات تجاوزگراانه آمریکا علیه کشورهای غیر متعهد، از زمانی که ریگان قدم به کاخ سفید گذاشته است، ارائه داد: تجاوز به کرانادا، حمله به لیبی، حمایت از خاکبازی دستجات فدا کننده انقلابی یونیتی علیه مردم آنگولا، پشتیبانی از "کنتراس" ها علیه مردم نیگاراگوئه و دخالت در السالوادور.

در پایان اجلاس، بیانیه سیاسی کمیته در حقیقت مهمترین سند گردهمایی بود، به تصویب رسید. در این سند مواضع جنبش نسبت به "مبارزه با امیرالیسم، استعمار و نواستعمار، برتری طلبی، تجاوز، اشغال خارجی، نژادپرستی، صهیونیسم، مداخله جویی و اعمال فشار" اعلام شده است. بیانیه سیاسی از برنامه زمان بندی شده اتحاد شوروی برای قطع سلاح هسته ای و تمدید مهلت یکجانبه اتحاد شوروی در قطع آزمایش های سلاحی هسته ای حمایت کرده و خواستار توقف تولید و استقرار سلاح های هسته ای شیمیایی و ایجاد مناطق عاری از سلاح های هسته ای شد.

بیانیه، نژادپرستی را متناه بحران در جنوب افریقا و تشدید جدی علیه صلح جهانی دانسته و حمایت سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی دولت های غربی از رژیم افریقایی جنوبی را محکوم کرد. بیانیه از رژیم نژادپرست افریقایی جنوبی خواست که نیروهای خود را از مناطق اشغالی حمایت آمریکا از دستجات خاکباز "اوپیتا" را محکوم کند. سران کشورهای غیر متعهد در بیانه خواستار آزادی بی قید و شرط نلسون ماندلا شدند. در بیانیه نسبت به اقدامات تجاوزگراانه آمریکا علیه مردم نیگاراگوئه ابراز نگرانی شد و از تلاش کشورهای مسموم به گروه "کنتادورا" و گروه "لیما" قدر دانی شد.

در هشتمین اجلاس جنبش غیر متعهد با پیکار برحق مردم فلسطین به رهبری "تاف" اعلام همبستگی شده است. شرکت کنندگان در اجلاس، حمله آمریکا به لیبی را شدیداً محکوم کردند. در این اجلاس، پیروان قطع جنگ ایران و عراق را محسوسه ای به تصویب رسید. در بخش از این موبوه گفته شد: "سران کشورها و دولت ها باید دیگر از ابراز نوعی درخواست سیاسی نمایند به منظور جلوگیری از ادامه تلفات جانی و خسارات مالی، دست از محاصره بردارند." خامنه ای که در کنفرانس برادامه خوشبختی پای می نشاند، موصوبه کنفرانس را "پیروان جنگ ایران و عراق را" غیر قابل قبول" اعلام کرد.

به جبهه ... بقیه از صفحه اول
کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارم، شهر یانی جمهوری اسلامی ایران موظفند مشمولان غایب ... را شناسایی و دستگیر نمایند. (ماده ۱۹۹) و "ما مورین انتظامی مکلفند کلیه اماکن عمومی را قبیل هتل ها، میخانه ها، کار اجراسی، سینماها، ترمینال های اتوبوس رانی، پارکها و سایر مکانهای ورزشی را زیر نظر داشته باشند تا مشمولین ... را شناسایی و دستگیر نمایند." (ماده ۲۰۴)

بدین ترتیب رژیم خمینی تمام مزدوران و سازمانهای دولتی خود - حتی پلیس راهنمایی - را برای کنترل جوانان ۲۷ - ۱۸ ساله بسیج کرده است تا از میان آنان خمولین و سربازان فراری را برای کشته شدن به جبهه بفرستد. در اجرای همین قانون مزدوران رژیم بنا گاه چهارراهها و گذرگاهها را از چند سو می بندند، در کمینگاههای مترقبه مزارع کمین میکنند، به مناظر، سینماها، میدان ورزشی، کرمانه های عمومی، مسافرخانه ها، ترمینال ها و پارک ها یورش می برند تا جوانان

تهاجم ترکیه به انقلابیون کرد

در اوایل ماه گذشته خبرگزاری ها گزاره دادند که ارتش تجاوز ترکیه در تقویت مبارزه خلق کرد ترکیه وارد خاک عراق شد و به عملیات نظامی علیه نیروهای مستقر در منطقه دست زد. چند روز بعد از این عملیات، پارلمان فرمایشی ترکیه لایحه اوزال نخست وزیر ترکیه را که یک ماه پیش از آن به پارلمان ارائه شده بود به تصویب رساند. این لایحه به ارتش مزدور ترکیه اجازه میدهد که برای تقویت سرکوبی مبارزان کرد ترکیه بداخل خاک عراق وارد شود و عملیات سرکوبگرانه خود را در آنسوی مرز ادامه دهد.

اقدامات و عملیات ارتجاعی ترکیه در پی مذاکرات و توافق هایی که میان دو رژیم ترکیه و عراق در چندین ماه پیش صورت گرفته به اجرا درآید، در پیگذاختن اخیر برخی عملیات در نوار مرز داخل خاک عراق صورت گرفته است اما مورد اخیر ابعاد تجاوزگراانه گسترده ای داشته است. رژیم مرتجع سرکوبگر عراق که تا کنگلو در جنگ با رژیم جنایتکار خمینی غوطه می خورد و بهیچ وجه قادر نیست با انقلابیون مستعد جوان منطقه نیروهای ترقیخواه عراقی در مناطق شمالی کشور به مقابله بپردازد، با دادن اجازه مداخله به رژیم وابسته ترکیه، میگوید خیال خود را از انفجار انقلابیون و کمونیستهای عراق راحت کند. از طرف دیگر رژیم مزدور ترکیه که عضو پیمان تجاوزگر نظامی ناتو است، خواهان کسب نقش و موقعیت "مناسبی" است. تا هم میدان نا نور و تا شیر خود را گسترش دهد و هم بتواند با دست با زتری به مقابله و سرکوب مبارزان خلق کرد ترکیه بپردازد. در نتیجه برای انقلابیون و رژیم مستعدگرا عراقی در مناطق شمالی و نزدیکی مرز عراق و ترکیه مشکلات و خطراتی تازه پدید آورده است.

آنچه که در این میان جلب نظری کشنده، موضع گیری رژیم خونخوار جمهوری اسلامی نسبت به عملیات نظامی اخیر ترکیه است. سخنگوی وزارت خارجه رژیم اسلامی ناخشنودی رژیم را نسبت به عملیات ترکیه در شمال عراق ابراز داشت. این در حالی است که جمهوری اسلامی همسایه رزمیهای ترکیه و عراق میگویند تا هرگونه صدای آزادی خواهانه و حق طلبانه در کشور را با سهمیت و وحشی گری بیمانند سرکوب کند و حقوق مسلم ملیت های ساکن کشور و بیطور مشخص خلق کسرد میهن مان را با میلیتاریزه کردن کردستان، کشتار و بمباران مناطق کردنشین و اعدام شکنجه مبارزان کرد و تنوذه های مردم، زیر پسا کسندارد.

توافق های ارتجاعی دو رژیم عراق و ترکیه و استمرار عملیات نظامی ترکیه در خاک عراق بی آمدهای خطرناکی در منطقه خواهد داشت. مقابل به این تجاوزگری و افشاء اهداف و مقاصد داخلی رژیم ترکیه، یک وظیفه جدی و میسر است. بدون شک همکاری انقلابیون ترکیه و ایران و عراق در افشاء و مقابله با این توطئه ها نقش موثرتری دارد. ماهزهمه اقدامات نیروهای انقلابی و مردمی ترکیه و عراق در مقابل به این توطئه قویا حمایت میکنیم و این را امر مشترک نیروهای مردمی به کشور میدانیم.

راشکار کرده، بدون آموزش نظامی به جنگ تانک و توپ و هواپیما بفرستند. اینها همه برای تدارک جنگی خونین انجام می گیرند. جنگی که بگفته محسن رفیایی فرمانده سپاه ارتجاعی "بیش از یک میلیون نفر" در آن شرکت خواهند داشت (مباحثه مطبوعاتی "خرداد) و باید در آن کثرت نیروی انسانی به ترحیم جزایات عراق پیروزی یابد. از همین روز رژیم به فریب و تطمیع کودکان و نوجوانان، به تهدید کارگران و کارمندان سالمند و به دستگیری جوانان روی آورده است. باید صدها هزار تن دیگر بخاک افندند. چنین است حرف آخر خمینی و شریکانش. رژیم در تدارک جنگ خونینی است. خمینی می خواهد آن اندازه انسان به صحنه نبرد بکشد که خون و گوشت آنان بر تانک و توپ و هواپیما عراق برتری یابد. استراتژی استفاده از موج انسانی جز یک قتل عام خونین چیز دیگری نیست. رژیم به تلف شدن نیرو در یک مانور ساده را جایز میدانند، خود را آماده کرده است تا صدها هزار تن را - که عمدتا از خانواده های زحمتکش خواهند بود - در راه وحشگری خود و در راه منافع روحانیون و سرمایه داران قربانی کند. گذشته شدن در راه رژیم ضد بشری خمینی، قربانی شدن در راه منافع روحانیون، سرمایه داران مرکی با افتخار است. ننگارید خون شما و عزیزانستان در جنگی بی فرجام و جنون آمیز برخاک جبهه ها بریزد. جبهه ها را ترک کنید. مشمولان و سربازان فراری را پناه دهید و به آنان کمک رسانید. جبهه کشتارگاه است به جبهه ترویید.

اخبار کارگری

اعتصاب در کارخانه ریساباف اصفهان

کارگران کارخانه ریساباف اصفهان در اعتراض به کسر حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند. در این کارخانه، کارگران یک شیفت به جبهه اعزام شده‌اند و تولید در شیفت ۱۲ ساعته جریان دارد. مدیریت اعلام کرده بود که باید مبلغ ۱۰ هزار ریال حقوق کارگران کسر شود تا حقوق کارگران اعزامی به جبهه تا مین برسد. کارگران در اعتراض باین تصمیم گستاخانه، بطوریکه باره دست به اعتصاب زده و از حق خود دفاع کردند. انجمن اسلامی، بسیج کارخانه و عوامل سرکوبگر سپاه از همان آغاز اعتصاب با کارگران معترض درگیر شدند.

فدائیان سازمان مادر جریان این اعتصاب، اعلامیه ای در میان کارگران توزیع کردند و طی آن ضمن افشای مذبوبیت و سیاستهای ضد کارگری رژیم، کارگران را به حفظ اتحاد و پیگیری درشتغییب مطالبات برحق شان دعوت کرده و خواستار تحکیم همبستگی شان در مبارزه علیه اخراج، جنگ ورزیم جنگ افروز خمینی شدند.

اعتصاب در چاپخانه دولتی ایران
کارگران چاپخانه دولتی ایران علیه تصمیم مدیریت مبتنی بر تغییر ساعت کار، اعتصاب کردند. عده‌ای از کارگران در جریسان اعتصاب دستگیر شدند، اما اعتصاب پس از مدتی با تحقق خواسته‌های کارگران با موفقیت پایان یافت.

اعتصاب کارگران ساختمانی نیروگاه زاهدان
۵۰ تن از کارگران بلوچ ساختمان نیروگاه زاهدان به علت عدم پرداخت مزایا دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب پس از آروز با موفقیت پایان می‌یابد. مسئولان نیروگاه، در جریان اعتصاب تمامی تلاش خود را برای ایجاد تفرقه و تکلیف در میان کارگران و شکستن اعتصاب بعمل آوردند اما یکبارچگی کارگران، توطئه مسئولین را نقش بر آب کرد.

اعزام اجباری به جبهه
کمیبود مواد اولیه، تعدادی از واحدهای تولیدی کوچک اصفهان را در آستانه تعطیل قرار داده است. سپاه پاسداران با مراجعه باسین کارگاهها اعلام کرده است که در صورتی مواد اولیه مورد نیاز آنها را تا مین خواهد کرد که کارکنان آنها برای مدتی به جبهه اعزام شوند.

تولید جنگ افزار برای تولیدگلا
سپاه پاسداران به کارخانجات و کارگاههای بزرگ صنعتی مراجعه میکند و از آنها میخواهد که هر کدام، قسمتی از تجهیزات نظامی مورد نیاز جبهه را بسازند. بعنوان نمونه به کارخانه زمینس مراجعه کرده و خواسته اند بیسیم هایی را که در جبهه مورد استفاده قرار میگیرد تولید کنند و با از کارخانجات ایران تا سیونال و تا کنفرانسی ایران خواسته اند که در قسمت های تراشکاریشان خمپاره انداز بسازند.

تاجران و آخوندها گویند:

" هر جور که ملت شده تاراج، بمن چه؟!
یا آنکه به دشمن شده محتاج، بمن چه؟!
من سیرم و در فکر کسی نیستم اصلاً!
دنیای گروسته بدهد باج، بمن چه؟!
بگذار بخواب بکنکش نهره و فریاد!
بیداری اینها نکنند خا طرم نشاد!
تک تک شده بیدار، راگر، وای، امان داد!
من سالم و شادم، همه در هفتابا داد!
هر جور که ملت شده تاراج، بمن چه؟!
یا آنکه به دشمن شده محتاج، بمن چه؟!"

.....
.....
میرزا علی اکبر ما بر

راهی برای تشدید استثمار کارگران در غرب

در آمریکا ۷۰۰ هزار شغل موقت، ۱۱ میلیون کارگر نا شغل در کارهای خانگی و ۵/۵ میلیون کارگر کارهای غیر قانونی (کارهایی که قانون کار شامل آنها نمی شود) وجود دارد. در آلمان غربی ۶۰۰ هزار کارگر در مشاغل غیر قانونی کار میکنند که بین ۱۰ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی (یعنی در حدود ۸۵ میلیارد دلار) ارزش ایجاد میکنند. در انگلستان، اقتصاد غیر قانونی، اقتصاد کبرنده ۷/۵ درصد تولید ناخالص ملی (یعنی ۲۵ میلیارد پوند) است.

این اشکال عمده تشدید استثمار کارگران طی سالهای اخیر بطور قابل ملاحظه‌ای در کشورهای امپریالیستی رواج یافته است. عوارض و نتایج آن عبارتند از: کاهش دستمزد و حذف اشتغال مختلف، سوق یافتن نیروی کار در عرصه کارهای غیر قانونی، کاهش و یا حذف هزینه‌های تا مین اجتماعی، تضعیف و یا حذف نقش نمایندگانی اتحادیه های کارگری در عرصه اشتغال های موقت، کارخانگی و غیر قانونی (با زاریسه نیروی کار). اشتغال نیمه وقت و کار موقت، موجبات کاهش نقش اتحادیه ها را فراهم میآورد. این دو عامل نقش اتحادیه ها را در عرصه هایی چون اشتغال، ساعت کار، شکل، استراحت و مرخصی و حقوق تا مین اجتماعی بطور جدی زیر فشار قرار داده و آنرا محدودتر کرده است.

و شکنجه شدید عناصر موثر گروهها و گسترش ضربه و دستگیری کارها و فعالین ازین طریق مبتنی است.

تلاش رژیم در ماههای بعد از بلنوم با همین منظور با شدت بیشتری ادامه یافت، و احدهای بزرگتری از ساواک به خدمت پیگیرها و تعقیب و مرام قبت فلانین سازمان کما رده شدند، کنترل تلفن ها مخصوصاً ارتباطی و تلفنی داخل به خارج افزایش یافته است و بافت و محل کار روزیگی و مسافرت خانسواده و وابستگان عده بیشتری از فعالین سازمان تحت مراقبت قرار گرفت.

تجا جات اخیر رژیم ارتجاع علیه فدائیان خلق منجر به وارد آمدن ضرر به چند واحد سازمان در بخشهایی از تهران و شهرستانها شده است. در رفقای رژیم شده ما به سارت دشمن در آمدند. با اینهمه تلاشهای اخیر رژیم نیز با هوشیاری و مقاومت فدائیان خلق و پیروگردید و دشمن نتوانست به هدف خود برای وارد آوردن به اصطلاح "ضربه کاری" دست یابد. رژیم تا هنوز بی سالی نبرد فدائیان خلق، بیاری دستگاه چینی ساواک تلاش کرد تا بر فعالیت انقلابی فدائیان "نقطه پایان" بگذارد و سازمان ما را به خیال خود از میان ببرد. اما نظور که تاریخ نشان داده است و ساواک این آرزو را به گور بردند، خمینی و ساواک و نیز این آرزو را به جای دیگری نخواهند برد.

هماکنون ساواک خمینی در تلاش است تا از طریق درهم شکستن مقاومت رفقای دستگیر شده، برگذیری سرخهای بدست آمده، تعقیب و مراقبت، کنترول تلفنی و وارد ساختن عناصر منترزلول به همگساری و نفوذ در عوامل خود به درون تشکیلات سازمان، به سطح گسترده تر و بالاتری از تشکیلات سازمان دست یافته و دامنه تجا جات اخیرا گسترش دهد.

اساسی ترین موثرترین راه مقابله با این توطئه های سرکوبگرانه و خشن کردن آنها، کار بست دقیق اصول و ضوابط کار مخفی است. ما با دیگر سر توجه دقیق و رعایت اکیدا این اصول و ضوابط را به همه فعالین خاطر نشان میسازیم.
اکنون وظیفه ما است با فریاد هر چه رسا تر "زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ خمینی"، بسا جلب هر چه وسیع تر حمایت جهانیان از مبارزین و زندانیان سیاسی ایران و وارد ساختن رژیم به تسلیم در برابر فریاد اعتراض علیه تروری ختنای، افزایش فشاری و آماجگی های همه جا علیه سروری، مقابله با سرکوبگران رژیم و خشنی کردن نقشه های آنان، معزاین رژیم منحط ضد مردمی را هر چه کوتاه تر میسازیم.
ناراضی و اعتراض عمیق شهدهای خلق آزرژیم و مبارزه هر چه گسترش توده‌ای و هشیاری، فداکاری و ایمان انقلابی فدائیان خلق و نیز جبهه ۵۰ ساله فدائیان در مبارزه علیه دیکتاتوری های شاه و خمینی سیاست سرکوب جنایتکارانه عمل رژیم را نقش بر آب خواهد کرد. رژیم علیه همه جناحهای غیر رژیم بگیرد و بیندها و کشت و کشتاری که طی سال های اخیر دنبال کرده است قادر نیست وفا در نخواهد بود. فدائیان اعتراض مردم را خاموش کند. تجربه خونین سال های اخیر نشان داده است که سیاست سرکوب رژیم بیش از همه خود رژیم را رسوا و تضعیف کرده است. اکنون میلیونها مردم هر روزی پشتیبان جمهوری اسلامی بودند، بر اثر سیاست های جنایتکارانه رژیم شما ما رودر روی آن قرار گرفتند و همسدردی و تا شید خود را نشان و نیروهای ما را زوا انقلابی می نمایند.

سیرم ترین...
وقتی از ضرورت اتحاد و تشکیل آلترناتیو انقلابی سخن می گوئیم، از یک امر مشخص و مبسوم سخن میگوئیم که با قلم و قدم و با در نظر گرفتن شاعرانه و اقیامت موجود، همین امروز باید برای آن حرکت کرد. ما از اتحاد مشخص میان سازمانهای مشخص و طبق هدف و بر نه مشخص سخن می گوئیم، نه از اتحاد های مجرد و موهوم و یا از تفرقه افکنی زیر علم اتحاد. بلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان ما، نظریه اهمیت امر اتحاد و عزم قاطع سازمان ما برای نبرد در راه تحقق آن، به پیشنهاها و چشم اندازهای بارهم مشخص تری را طرح کرده است.

بلنوم کمیته مرکزی سازمان ما بر ضرورت و اهمیت اتحاد سازمان ما، حزب توده، پسران، ستمین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) (سیرم سیانه ۱۶ آذر، سازمان کارگران انقلابی ایران (زراه کارگر)، حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و بر سببیه آماجهای مشترک این نیروها بطور اخص تا کید ورزید. این دعوت تا کید مجدد بر خط مشی مصوب بلنوم مهرا ۶۳ بوده است. سازمان ما فعلا ای ایران لوده جنبش را به خوبی میشناخسد و از مشکلات واقعی و راهی در مسائل تا مین سازمانهای انقلابی و ترقیخواه کاملاً آگاه است. ما عزم ما علیه بر این مشکلات است و نه مغلوب شدن در برابر آنها. در واقع شناخت درست این مشکلات واقعی و راهی واقعا و اقدام عملی برای رفع آنها قدم اول در راه تا مین اتحاد ضروری ایزوسیون ترقیخواه است. بلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان ما با نقد خلافتنه خط مشی گذشته سازمان در سالهای پس از انقلاب این امکان را فراهم آورد که ما مناسبات گذشته و حال خود را دیگر تروری و ترقیخواه را باز بینی کرده و جمع بندیهای جدیدی ارائه کنیم. هما نظور که در مصوبات بلنوم ضرور دین ماه میسک است در سالهای ۶۰ و ۶۱، تا آسوی ما سیاست اتحاد با سازمانهای چپ، حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین ترک شرقی خودرادهای شد و توطئه کشنده با آنها در پیش گرفته شد. پدید آمدن مناسبات خصومت آمیز بین سازمان ما و سایر سازمانها و گروههای چپ، بیشتر از آنرا در متوجه همه ما میگردد و مشکلاتی را که در راه اتحاد و وحدت جنبش کارگری به مثابه مرکزی ترین نیاز جنبش وجود داشت بندهت افزایش میداد.

سازمان ما عزم مبارزه عادلانه خلق کرد. نیز مناسبات ما با حزب دموکرات کردستان ایران به مثابه یکی از نیروهای ملی و دیمتری کشور که تا ساواک ۵۹ هر دو در یک ستر خودرادهای هم علیه رژیم خمینی می جنگیدیم، در سال ۶۰ جان تخریب شد که سازمان ما سیاست درستی و ضروری اتحاد با حزب دموکرات کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی را کنار گذاشت و بر خورد خصمانه با رهبری آنرا در پیش گرفت. بلنوم مهرا ۶۳ و ۶۴ بلنوم ضروری است. این خطا را تا کید و تصحیح کرد و سازمان ما فوق راه اتحاد علیه جمهوری اسلامی و بخاطر تحقق آماجهای مشترک فرا خواند.

سازمان ما در این اتحادیه های مشترک با حزب دموکرات کردستان تاکنون برنامه اتحادیه ظرفیت اینک همه نیروهای ترقیخواه را در برگیرد و راه داده، در بر نه مسه و مواضع حزب دموکرات کردستان نیز هنوز سازمانها مشخص نامی برده نمیشود و مسایل بطور کلی مطرح میگردد. این در حالی است که یکسال پیش از این ۲۰۱ مرداد ۶۴ کمیته مرکزی سازمان ما در نشانه‌ای به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران اعلام کرده است:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکرات کردستان ایران در مهمترین زمینه های مربوط به خط مشی توافق نظر اساسی دارند و بر این پایه به شما پیشنهاد می کنیم که برای دستیابی به این اهداف دموکراتیک و ترقیخواه ها توافق عملی مشترک بکار گرفته شود."

به اعتقاد ما مجموع شرایطی که بر سر مردمیم از ما اقدام ضروری و مشخص برای متحد کردن ایزوسیون ترقیخواه و ایجاد آلترناتیو انقلابی را می طلبد، هر درنگ ما یک فرصت برای دشمن و رقیب ما است. سازمانهای انقلابی و ترقیخواه باید خود آیینسد، فضای ایران لوده را بکنار آورند و در رشته های سرخی را که آنها را بیوندمی دهد بسیند و سرزنسد. جز این نیست راه پیروزی.

تیم آخن...
بقیه از صفحه اول
اما در نتیجه اجرای سیاست عدم تمرکز تشکیلاتی و ارتسای طی و در اثر تحرک و هشیاری رفقای این نقشه با شکست مواجه شد. اینک پلیس سیاسی بطور عمده تا کتیک وارد آورن ضربه به هر واحد سازمانی که اطلاعات مطلوبی از آنان داشته باشد را در پیش گرفته است. این روش پلیس اساسا بر دستگیری

برای پایان دادن به گرانی کمر شکن، علیه جنگ پیا خیزید

شیلی می جنگد

اخبار و اطلاعات منعکس شده نشان میدهد که اقدام اخیر برای ترور پینوشه، نقشه ای بود برای بدست دادن محلی جهت اعلام حکومت نظامی توسط پینوشه و برآوردن ختن دستگیریهایی و سرکوب خویش و جنبش خلق. بلاتناهی پس از حادثه مزبور خبرگزاریهای غربی اعلام کرده اند که "جبهه میهنی ما سوتل رودریگز" مسئولیت این عملیات را بر عهده گرفته است. سیدریگ تا نیکه و ارتش تا دندان مسلح دیکتا توری در خیابانهای سانتیاگو متفرق شدند. برای ۳۴ ساعت حکومت نظامی اعلام شد و عملیات گسترده دستگیری در شهر و محلات کارگری حومه پایتخت آغاز گردید. اما چگونگی اقدام به ترور و جان بدر بردن خود دیکتا توری از آن، از همان آغاز جای سؤال داشته و طرزهای بعد خوزه سالاس نمانده "جبهه میهنی رودریگز" اعلام داشت که تلفن مجهولی که به استناد این عملیات مزبور به جبهه رودریگز نسبت داده شده است بی اساس بوده و آنچه میگذرد توسط فدهای شش نیست. حزب کمونیست شیلی نیز اعلام نمود که حادثه توسط فدهای یو بی سی و یو بی اچ پی با همکاری جناح یکتا راه و سرکوب از قبیل تدارک شده خونخوار فاشیست آماجهای اصلی دستگاه سرکوب خونخوار متوجه سازمانهای اپوزیسیون، یو بی سی و جنبش دموکراتیک شیلی شده است. مشکلات حزب کمونیست و تعدادی دیگر از احزاب سازمانهای چپ شیلی است تاکنون تعدادی از رهبران سیاسی، روزنامه نگاران و فعالان لیبرال سوسیالیست با زدن دستها شده اند. در میان با زدن دستها نام جرمان کوروا، رهبر جنبش دموکراتیک توده ای و یکی از رهبران اتحاد دموکراتیک که عضو حزب دموکرات مسیحی است دیده میشود. با دنجان یکتا حزب سوسیال دموکراتیک شیلی که توسط سازمانها منبیت پینوشه برآوردن دستها و سرکوب فاشیست می آفرینند. ریودن و قتل فجیع یک روزنامه نگار کمونیست بنام "خوزه کاراکو" توسط افراد این با تدبیر و خشم عمومی مردم شیلی را برانگیخت است. این حوادث در شرایطی روی داده است که چپان طی سال گذشته و یو بی سی ماههای اخیر شاهد و چگبری بسیار بقیه مبارزات مردم شیلی علیه خونخوار حاکم بوده است. اعتصابات عمومی خرداد ماه و تظاهرات و درگیریهای خیابانی و انواع حرکات اعتراضی مردم که بطور بی وقفه در تمام طول سال گذشته جریان داشت، بگونه ای انکارناپذیر آنکارا ساخت که خلق شیلی دستگیرند و حکومت نظامی را تحمل کنند. نقش اصلی را در کشش و سازماندهی مبارزات مردم به منظور سرنگونی رژیم پینوشه "جنبش دموکراتیک شیلی" است. این حزب کمونیست، حزب سوسیالیست، جنبش چپ انقلابی (پی. ا. م. ا. یو) جنبش اقدام متحد (فدراسیون) و چند سازمان چپ دیگر، بر عهده داشته است. اختلافی نیز که در گذشته با گروههای "مجمع ملی شپروندان" و "مشکلکلیت ۲۵" سازمانها اختصاصی برای مبارزه مشترک علیه دیکتا توری و تحت شعار "پیروزی از آن ماست" ایجاد گردید، پیروزی دیکتاتور برای مردم شیلی در مبارزه یکپارچه علیه رژیم بود. در این اختلاف، که اتحادی از سازمانهای اجتماعی است، دو نیروی عمده اپوزیسیون یعنی "جنبش دموکراتیک توده ای" و "اتحاد دموکراتیک به رهبری حزب دموکرات مسیحی" در اتحاد با هم قرار گرفته اند.

امیرالیسم آمریکا در هر اس شدیداً زنیکا را کوئ دومین در شیلی، خواهان آنست که پینوشه را تا آخرین روزی که میسر باشد سر قدرت نگاهدارد. آمریکا بسا تمام طرفندهای خود کوشیده است تا اتحاد نیروهای دیکتا توری را درهم تکانده اما در این راه نامکام مانده است. دیکتا توری که می بیند چیزی به پایمان مخرج حکومت نکینش نمانده است اخیراً اعلام کرد برای مقابله با کشش مبارزات توده ای و اعتصابات

به برانده های رادیو زحمتگان ایران کوش فرا دهد.

رادیوی زحمتگان ایران، صدای آزاده مسه کارگران و زحمتگان کشور و صدای برجست نام مجرمان میهن است. رادیوی زحمتگان ایران هر روز در ساعت ۷ عصر به مدت نیم ساعت روی موج ۹۰۷ کیلوهرتز ۲۸ مرسو ۴۹۰ متر برنامه پخش میکند. این برنامه ساعت ۳:۰۷ دقیقه همان روز و پنج روز بعد تکرار میشود. ساعت و طول موج این صدای رسای صلح و آزادی را بخاطر بسپارید! وقت و طول موج آنرا به همگان بگویید و در همه جا بنویسید. رادیوی زحمتگان ایران، افشاکر جنایات رژیم خمینی و سجنوی منافع کارکرمندان و زحمتگان است.

عمومی، حاضرات به وسیله ای از جمله تکرار حرام خون اسپتامیر ۱۹۷۳ دست بزند. آنچه که در شهریور ماه گذشته در شیلی روی داد، چیزی جز اجرای همین تدبیر خویش دیکتا توری نبوده است. در اعلامیه ای که جنبش دموکراتیک توده ای پس از از حوا دت اخیراً منتشر دارد همه نیروهای دموکراتیک کشور را به اتحاد و عمل و تشدید مبارزه برای سرنگونی دیکتا توری فرا خوانده شده اند. شرایطی که خلق شیلی هم اکنون با آن مواجه است بسیار دشوار است، اما آشکار است که بحران رژیم پینوشه را چاره ای نیست. ترور و سرکسوب هنگامی که در نیست پینوشه را از شکست محتوم نجات دهد.

ژاپن به "جنگ ستارگان" پیوست

دولت ژاپن در ماه گذشته اعلام کرد که به برنامه "جنگ ستارگان" آمریکا می پیوندد. ژاپن با این اقدام، که میگوید در راستای سیاستهای حسیسگ افروزان دولت ریگان برداشته تصمیم ژاپن با سه اصل غیر هسته ای، مندرج در قانون اساسی آن و قطعنا به پارلمان این کشور در باره استفاده از فضا فقط با هدف صلح آمیز، مفایرت آشکارا دارد. دولت ژاپن زمانی این تصمیم را گرفت که افکار عمومی و احزاب عمده مخالف در این کشور، علیه آن به اعتراض برخاسته بودند. دولت ریگان مدت ها ست تلاش میکند که متحدین خود را برای اجرای برنامه "جنگ ستارگان" جلب کند و از تکنولوژی آنها بویژه ژاپن بهره جویسد و بخشی از هزینه سراسر آمریکا را بر دوش آنها ن بگذارد. دولت توکیو که خط مشی مابراجا جوانه تبدیل ژاپن بیک دولت بزرگ نظامی را پیش می برد به ساعی شرکت های خصوصی ژاپن که در صد کسب سودهای میلیاردها هستند، به خواست دولت ریگان جواب مثبت داد. ریگان تلاش میکند که از توافق توکیو، علیه مخالفین طرح "ایتکسار دفاعی استراتژیک" در صفوف متحدین آمریکا در تانو بهره برداری کند و دیگر کشورها را نیز بسوی انجام این طرح بکشد. اما اعتراضات علیه "جنگ ستارگان" و سیاستهای جنگ افروزان دولت ریگان روز بروز گسترده تر میشود. جنبش صلح با قدرت و با قاطعیت در مقابل بلک به جنگ هسته ای و مسابقه تسلیحاتی ایستاده است.

گامی مهم در اتحاد نیروهای فلسطینی

بدنبال گفتگوهای گامی میان سازمانهای فلسطینی صورت گرفت سازمان الفتح، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین بر اساس کبیترنامه ۱۰ ماده ای به توافق رسیدند. در پیروزی سازمان الفتح با مدور بیانیهای رسماً لغو توافقی فوریه ۱۹۸۵ میان یاسر عرفات و ملک حسین را اعلام داشته لغو این موافقتنامه، از سوی سازمانهای چپ فلسطینی شرط هرگونه توافق با الفتح اعلام شده بود. در اعلامیه بدین مناسبت از سوی الفتح، جبهه دموکراتیک و حزب کمونیست فلسطین اعلام شده، آمده است توافق ۱۱ فوریه ساف - اردن دیگری به جهت خود باقی نیست و اساس و پایه سیاست ساف را قوت در رابطه مسئله فلسطین، چه در سطح عربی و چه در سطح بین المللی تشکیل نمیدهد. اعلامیه جبهه دموکراتیک برای آزادی و ربط ساف و اردن بر اساس قطعنامه کنفرانس ۱۹۷۴ ایران عرب استوار است. در این اعلامیه همچنین آمده است سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. اعلامیه بر ضرورت تشکیل یک دولت فلسطینی در سرزمینهای فلسطینی که با یسار اشغال اسرائیل آراشود، تاکید میورزد. بر اساس اعلامیه مشترک سه گروه فلسطینی (الفتح، جبهه دموکراتیک و حزب کمونیست)، در جریان گفتگوهای که از اول تا پنجم سبتمبر جاری در پراک صورت گرفت، سه گروه برای احیای وحدت ساف یک بیانیه یا زده ما ده ای تنظیم کرده اند. بیانیه، برنامه سیاسی ۱۹۷۴ ساف را همچنان معتبر دانسته و نسبت به قطعنامه های شورای ملی (پارلمان در تبعید) فلسطین اظهار وفاداری کرده است. بیانیه می افزاید شورای ملی فلسطین باید با شرکت همه گروهها و شخصیت های فلسطینی برگزار شود. سه گروه مضاء کننده بیانیه، همواره حلهای جداگانه و به ویژه طرح کمپ دیوید و طرح ۱۹۸۲ اریگانی را محکوم کرده اند. الفتح، جبهه دموکراتیک و حزب کمونیست فلسطین قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را که مسئله فلسطین را تنها در رابطه با آوارگان فلسطینی مطرح میکند، با سخوی منافع ملت فلسطین نمیدانند. بیانیه سه گروه مزبور خواستار برپایی یک کنفرانس بین المللی خاور نزدیک با شرکت ساف به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین شده است.

پایان کار کنفرانس استکهلم

کنفرانس ۳۵ کشور اروپایی، آمریکا و کانادا که از ۱۵ ژانویه ۸۴ (دی ماه ۶۳) در استکهلم پایتخت سوئد جریان داشت در ۲۴ شهریور ماه گذشته (۲۲ سپتامبر) نخستین مرحله کار خود را با پایان رساند. در جریان کار کنفرانس، اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی کوشیدند که مسایل اساسی که بنسبه سرخوشش تمام می شد به صورت مربوط میشود، مسایلی نظیر عدم توسل به زور در حل مسایل بین المللی، قطع تجاوزات، کنترل ما نوره ای نظم و انتقال اشتغال نیروهای مسلح در اسناد دپلماتی مورد توافق و تاکید قرار گیرند.

سند نهایی کنفرانس که به امضای همه ۳۵ کشور شرکت کننده رسیده است "تدابیر تحکیم اعتماد و امنیت و صلح در اروپا" اختصاص داده شده است. در مرحله دوم کنفرانس، مذاکره پیرامون "صلح سلاح عمومی در اروپا" در دستور کار شرکت کنندگان قرار خواهد گرفت. در سند نهایی کنفرانس استکهلم بر کنترل ما نوره ای نظامی که تاکنون بهانه مخالفت آمریکا و سایر پر دول امپریالیستی با امر صلح بوده است، تاکید شده است. همچنین سند که با تلاش سوئدانه و پیگیری اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به تصویب کنفرانس رسید، مورد مخالفت آشکار روسیه و ارتجاعی ترین نیروهای میلیتاریست و مدافع جنگ است.

با پایان موفقیت آمیز کنفرانس استکهلم و تصویب سند نهایی آن متوجه تحکیم صلح در اروپا و سراسر جهان است. موفقیت کنفرانس و سند نهایی آن بویژه در شرایطی که امپریالیسم آمریکا تلاشهای خود را در جهت گسترش بیش از پیش نظامی گری و مسابقه تسلیحاتی به نحو جنون آمیزی تشدید کرده است اهمیت بیشتری میابد و نشانگر قدرت نیروهای صلح دوست جهان و در اس آن اتحاد شوروی در مبارزه علیه خطر فزاینده جنگ هسته ای است. نتیجه کار کنفرانس گسترش بیشتر مویبات کنفرانس ۱۹۷۵ هلسینکی در جهت کاهش تنش و وخات امواضع بین المللی است و به شکست تلاشهای دولت ریگان یاری میرساند. از همین رو مورد پشتیبانی و خلقها و نیروهای صلح دوست سراسر جهان قرار دارد.

افریقای جنوبی! غولی زاده شد

با وحدت بزرگترین اتحادیه های کارگری افریقای جنوبی، "کنگره اتحادیه های کارگری کشور تاسیس شد، با بنیانگذاری این کنگره (فدراسیون) جنبش کارگری و مبارزه انقلابی و آزادیبخش مردم افریقای جنوبی وارد مرحله نوینی شده است. کنگره اتحادیه های کارگری که در حال حاضر ۴۵۰ هزار عضو دارد، کارگران مهمترین بخش های اقتصادی کشور را نمایندگی میکند. نشریه حزب کمونیست افریقای جنوبی در مقاله ای تحت عنوان "غولی زاده شد" تاکید میکند که ایجاد این کانون از اهمیت تاریخی برجستهای برخوردار است و کنگره "بزرگترین و نیرومندترین فدراسیون کارگری است که در تاریخ جنبش کارگری افریقای جنوبی شکل گرفته است." کنگره اتحادیه های کارگری مبارزه علیه نژاد پرستی و مبارزه در راه وحدت کارگران سیاه و سفید و اتحاد سازمانهای خلقی با اتحادیه های کارگری و اکلید پیروزی طبقه کارگر و خلق افریقای جنوبی بر رژیم نژادپرست و سراسر سرمایه داری میداند. طبق بررسی یک نشریه معتبر کارگری افریقای جنوبی، تا پایان سال ۱۹۸۶، تعداد اعضای کنگره به ۱ میلیون نفر خواهد رسید.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: P.O. 1091 WIEN AUSTRIA
مسابانکن: AUSTRIA - WIEN
BAWAG
HR. 02910701 - 650
DR. GERTRAUD ARTHUR

پیروز باد مبارزه خلق در راه جمهوری اسلامی!